



# اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت بیستمین سال بنیان گذاری سازمان در راه دموکراسی و عدالت به پیش!

به ضعف نمادند، موقعیت خود را در میان مردم از دست دادند و نتوانستند سازمانگر جنبش تازه‌ای برای مقابله با تعرض ضد دموکراتیک - ضدملی شاه - امریکا باشند. نیروهای دموکرات شروع به پراکنده شدن کردند، گروهی به رژیم شاه پیوستند، گروهی از مبارز و سیاست فاصله گرفتند و بخشی به سوی ارزش‌های سنتی و اسلامی رجعت کردند و نوسازی مذهب و مبارزه در لوی آن را پیشه کردند. شاه پس از یک دهه سرکوب و تضعیف جنبش دموکراتیک، اصلاحات ارضی و تغییرات جدی در ساختار اقتصادی جامعه مارا شروع کرد و پرچم مدرنیسم و تجدد گرایی را به دست گرفت. اصلاحات رژیم شاه ساختار جامعه مارا به تدریج دگرگون کرد. تضادهای جدید و نیروهای تازه‌ای را آفرید. اما هیچ جریان سیاسی نتوانست نیروهای فعال، روشنگر و دموکرات جامعه را برای یک مبارزه دموکراتیک و ضد دیکتاتوری بسیج کند. در این سالها جامعه ما از حضور فعال نیروهای سیاسی آزادیخواه و عدالت جو در داخل کشور محروم بود و شاه با پرچم تجددگرایی، دیکتاتوری و سیاست ضد ملی خود حکیم می‌بخشید، هر صدای مخالفی را سرکوب می‌کرد و کشور را بیش از پیش به بیگانگان می‌فروخت.

در سپیده دم نوزدهم بهمن ماه ۱۳۴۹، میهن ما شاهد تولد حماسی جنبشی بود، که امسال بیستمین سالگرد آن را گرامی می‌داریم. جنبشی که ۲۵ سال است با ترمانی و سرفرازی علیه زورگویان و ستمکاران و برای ساختن ایرانی آزاد و آباد و جامعه‌ای انسانی و عادلانه پیکار می‌کند. ۲۵ سال ماندگاری جنبش فدائیان علیه رژیم سرکوبگری و جنایات بی‌شمار دو رژیم شاهنشاهی و فقه‌های بیگانه آن است که این جنبش در اقصای جامعه ما ریشه دارد، از ضرورت‌های آن برخاسته و بر چنین پایه‌ای روئیده و رشد کرده است.

نطفه‌های جنبش مبارز مینه شرایطی بسته شده که در بار سلطنتی به کمک حامیان آمریکایی خود، کودتای ۲۸ مرداد را بر مردم ما تحمیل کرد و شاه با سرکوب نیروهای دموکرات و با نابود کردن نهادها و ارزش‌های دموکراتیک که ملی یک دهه مبارزه به وجود آمده بود، کشور را به سمیت دیکتاتوری تازه و در راهی ضدملی سوت داد و شکاف بین فقر و ثروت را روز به روز عمیق‌تر کرد. جبهه ملی ایران و حزب توده ایران به عنوان دو نیروی اصلی طردنار دموکراسی و پیشرفت در جنبش ملی دموکراتیک سالهای ۲۵ تا ۳۲، در زیر ضربات دیکتاتوری و عوارض شکست جنبش دموکراتیک و یک سلسله اشتباهات خود رو

دوره دوم - سال هفتم - شماره ۸۳  
بهمن ماه ۱۳۶۹ - ۱۴ صفحه - ۸۵ ریال

## جنگ پیروز شد گسترده باد جنبش صلح!

در ظلمات پیش از سپیده دم روز پنجشنبه ۲۷ دی ماه با هزاران پرواز عملیاتی هواپیماهای آمریکایی و متحدینش بر فراز کشور عراق و بباران مکزک نظامی و صنعتی و مناطق مسکونی، جنگی که جهان اجتناب از آن را از روی می‌کرد، آغاز شد.

برای اینکه این جنگ گریزناپذیر شود، دولت ایالات متحده از هیچ کوششی فروگذار نکرده، آمریکا که اکنون رقیب و معارضی هم تراز در روبرو ندارد و خود را سرکرده جهان می‌پندارد، در تجاوز خیره‌سارانه رژیم صدام حسین به کشور کویت آن فرصت و مستمسک مناسبی را یافت که مقام و موقعیت تازه خویش را به همه بنمایاند. دولت آمریکا بلافاصله پس از اشغال کویت، خودسرانه اهرام انبوه تشون و تجهیزات جنگی به کشورهای منطقه را آغاز کرد تا جهانیان را در مقابل عملی انجام شده قرار دهد. این دولت برای خنثی کردن اقداماتی که با هدف دفع تجاوز عراق به کویت از راه‌های صلح‌آمیز صورت می‌گرفت همه توان سیاسی و ظرفیت دیپلماتیک خود را بکار گرفت. شورای امنیت سازمان ملل متحد که مطابق وظیفه تعریف شده‌اش می‌باید حافظ صلح و امنیت جهانی باشد از نظر دولت جرج بوش آن ارگانی بود که تنها وظیفه داشت مجوز حقوقی عملیات نظامی تدارک شده را فراهم آورد. تصویب قطعنامه ۶۷۸ همان مجوزی بود که آمریکا به آن نیاز داشت. دولت‌های شوروی و فرانسه که پیش از این حرکات مستقلانه‌ای برای دست‌یابی به راه حل جامع و بنیادین در صحنه ۲

## اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره وقوع جنگ در خلیج فارس

### جنگ رابی قید و شرط قطع کنید!

مردم تمایل و خواستی جدا از خواست و منطلق جنگ افزوزان را فریاد می‌کنند: جنگ را بی‌قید و شرط متوقف کنید! این فریاد انسانی است که در این روزهای تلخ در جهان طنین افکنده است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) وقوع جنگ در خلیج فارس را محکوم میکند و دولت امریکا را مسبب اصلی شروع این جنگ که اینک منطقه ما را در خون و دود و آتش فرو برده است می‌شناسد.

همانگونه که بارها از سوی نیروها و دولت‌های صلح‌دوست جهان خاطر نشان گردیده، امکان حل بحران خلیج فارس که با تجاوز عراق به کویت به وجود آمده، از راه دیگری به جز یک جنگ فاجعه‌بار امکان پذیر بود. تلاش‌های دیپلماتیک و ادامه محاصره همه‌جانبه، سرانجام، در زمانی درازتر، دیکتاتور عراق را مجبور به عقب نشینی از کویت می‌ساخت، اما سرمداران امریکا که صدها هزار نفر را به منطقه ما گسیل کردند، تحمل و بردباری به ثمر رسیدن چنین راه‌حلی را از خود نشان ندادند و تجاوز عراق بنیادین در صحنه ۳

سرانجام در نخستین ساعات باعداد امروز منطق آمریکایی به کرسی نشست و بدستور رئیس جمهور این کشور جنگی بی‌رحمانه در خلیج فارس آغاز شد. در نخستین ساعات شروع جنگ صدها تروند هواپیما و موشک‌های آمریکایی، انگلیسی و دیگر متحدان آنان بغداد پایتخت عراق را بمباران کرده‌اند. نخستین گزارش‌های خبری حاکی از آن است که بغداد و سایر شهرهای عراق در دود و آتش فریق شده‌اند و مردم بیگناه، مادران و پدران و فرزندان در آتش یکدیگر در آتش بمب‌های سوزند.

مقامات آمریکایی با قنوت و افتخار از ابعاد عظیم عملیات نیروهای چندملیتی تحت فرمان خود و شدت ضربات و خرابی‌ها سخن می‌گویند و صدام حسین از ادامه مقاومت، جنگ‌های بزرگتر و کشتارهای وسیع‌تر روزهای آتی خبر می‌دهد. جهان با حیرت و نگرانی شاهد این فاجعه بزرگ است.

از نخستین ساعات آغاز جنگ مواج انسانی در اعتراض به این جنایت هولناک به حرکت درآمده است. شهرهای اروپا، آسیا و امریکا شاهد راهپیمایی‌های اعتراضی و صلح‌آمیز بی‌وقفه مردم است. انبوه دم به دم بیشتری از

اطلاعیه شورای مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
در تظاهرات علیه جنگ شرکت کنید!  
در صفحه ۳

### اطلاعیه دبیرخانه درباره برگزاری اجلاس مشترک شورای مرکزی سازمان گروه‌های کار و مسئولین منتخب کشورهای

۱- استماع گزارش سیاسی شور و اظهار نظر پیرامون آن  
۲- استماع گزارش عملکرد دشورا و گروه‌های کار و اظهار نظر درباره آنها  
۳- بررسی بحران مالی سازمان و چاره‌اندیشی پیرامون آن  
۴- بررسی قراردادهای پیشنهادی شور در خصوص انتشار نشریه واحد بجای دو نشریه "کار" و "اکثریت" و اقدام وظایف دو گروه کار تشکیلات خارج از کشور و تدارک بنیادین در صحنه ۳

## جنایتی دیگر قلیه نیروهای مبارز کردستان

دادستان انقلاب اسلامی کردستان اعلام کرده هفت تن از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران را به جوزه اعدام سپرده است. اعدام شدگان همراه عده دیگری از افراد حزب دمکرات در مهرماه سال جاری توسط مامورین رژیم دستگیر و به اتهام مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، محاکمه و به اعدام و حبس و تبعید محکوم گردیدند.

اقدام جنایتکارانه رژیم در اعدام مبارزان خلق در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم از افشاگری‌های اخیر در پی انتشار سفرگالیندوبل مبنی بر نقض و پایمال کردن حقوق بشر به خشم آمده است. رژیم در همین حال با سوءاستفاده از بحران بحران خلیج فارس که انکار عمومی متوجه سرنوشت کاشکشما و درگیری‌های منطقه است، اعمال فشار بر مبارزان خلق کرد را افزایش داده است.

مقامات رژیم در کردستان از طرفی مبارزان را دسته دسته دستگیر، بازداشت و اعدام میکنند و از طرفی بنیادین در صحنه ۱۱

### در این شماره

جنبش فدائیان خلق در بیست سالگی	در صفحه ۹	اعتراضات مردم: عقب نشینی دولت	در صفحه ۳
تقدیر پر یک تصمیم	در صفحه ۱۱	پذیرش وکیل مدافع	در صفحه ۶
تظلم بهمن پایانی شکست بود	در صفحه ۵	سوسیالیسم در عصر ما	در صفحه ۱۵

# ۱۹ بهمن؛ بیستمین سالگرد جنبش فدائیان را هر چه باشکوه‌تر برگزار کنیم!

**دروا دعوا کرانی و عدالت به پیش!** بقیه از صفحه اول

در چنین شرایطی بود که جنبش فدائیان کورین یافت و با آوایی رسا تولد خود را اعلام داشت. فریاد اعتراض آن گروه کوچک انقلابی بنیانگذار سازمان، در جامعه طنینی رسا یافت. جنبش فدائیان بازتاب خواستار و تحولات آن انسان‌هایی در جامعه ما بود که آرزوی خود را فدای دیکتاتوری شاه و سیاست‌های ضد ملی آن، جانبداری از عدالت اجتماعی و سوسیالیسم را همراه با تمایل به تجدید فاصله‌گیری از مذهب نمایندگی می‌کردند. فدائیان خلق که در این راه به مبارزه برخاستند، بسرعت مورد پشتیبانی پرشور نیروهای پیشرو و پر انرژی جامعه یعنی طیف وسیعی از روشنفکران، دانشجویان، کارمندان و کارگران آگاه قرار گرفتند.

رژیم شاه با خشونت بی سابقه، زندان، شکنجه و اعدام در صدد نابودی جنبش نوپای فدائیان برآمد. شاه زندانها و خیابانها را از خون فدائیان رنگین کرد و آثار گروه گروه به جوخه‌های اعدام سپرد. همه بنیانگذاران و رهبران اولیه سازمان و بخش عمده کادرهای آن، در نخستین سالهای مبارزه فدائیان با دیکتاتوری شاه یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند. اما جنبش فدائیان از بین نرفت و با نیروهای تازه نفس تجدیدسازمان یافت.

جنبش ما تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و جهانی، در پیکار علیه رژیم شاه به روشهای افزایش مبارزه روی آورد. بنیانگذاران سازمان مبارزه مسلحانه را بعنوان تنها راه نجات و رستگاری برگزیدند. این شکل مبارزه و ایده‌های مربوط به آن در جریان مبارزه پیگیرانه ضد دیکتاتوری، ملی و عدالت‌جویانه سازمان به تدریج تعدیل گردید و کنار گذاشته شد. در جریان این سالها فداکاری، شهادت، از خود گذشتگی، صداقت و راستگویی فدائیان ارزشهای اخلاقی و انسانی در میان مبارزین و بخشهایی از مردم را تقویت کرد.

در ضربات سال ۵۵ جمعی رهبران سازمان به شهادت رسیدند. اما فدائیان توانستند در زیر یورش خرد کننده ساواک رژیم شاه صوف خود را بازسازی کنند. سازمان ما با نیروی معنوی بسیاری وارد جنبش توده‌ای سالهای ۶۵ و ۵۷ و انقلاب بهمن ۵۷ شد و با توریتهای عظیم و نیرویی میلیونی از آن بیرون آمد. پس از انقلاب جنبش ما به یکی از نیروهای سیاسی عمده جامعه ایران بدل شد. اهداف و ارزشهایی که مبارزه ما بر پایه آن ها بنا شده بود، با خصم ارتجاعی جنبشی که خمینی اثر نمایندگی می‌کرد، قربانی نداشت و از این رو فدائیان در برابر خمینی و رژیم او ایستادند و اولین صمه‌کاستی‌های ناشی از مشی چپ‌روانه و باورهای نادرست، پرچم مبارزه علیه آنرا بر فراز داشتند. متأسفانه جنبش فدائیان بدنبال اختلافاتی که پس از انقلاب در صوف آن بروز کرد، چندین بار دچار انشعاب شد. هر انشعاب ضربه بزرگی بر نیروی متحد ما وارد ساخت. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان بزرگترین بخش جنبش فدائی باقی ماند.

مشی سربلندانه در برابر خمینی بتدریج تحت تأثیر انحرافات که در سازمان غلبه پیدا کرد رنگ باخت و سازمان ما که یک دهه پیگیرانه و با مشی مستقل علیه دیکتاتوری مبارزه کرده بود، طی یک دوره چند ساله به دفاع از خمینی و رژیم جمهوری اسلامی و یک رشته خطاهای بزرگ سیاسی و نظری از جمله قطب گرایی و تبلیغات وافتی

بمنع کشورهای "سوسیالیستی" کشانده شد. حمایت از جمهوری اسلامی و قطب گرایی بزرگترین خطاهای سازمان ما در طول حیات خود بود. سازمان ما بتدریج از این اشتباهات فاصله گرفت و نخستین کنگره سازمان این اشتباهات را بصراحت مورد انتقاد قرار داد.

طی سالهای اخیر سازمان ما مبارزه پیگیرانه علیه دیکتاتوری رژیم فقهارا در صدر وظایف خود قرار داد. هزاران تن از فدائیان خلق در زیر شدیدترین پیگردها و سرکوبها به مبارزه قهرمانانه علیه جنبش، اختناق، چپاول و فارتگری آخوندی و تجار و فقر و گرسنگی مردم، به خاطر صلح و آزادی و رفاه و خوشبختی مردم دست زدند. در این مبارزه نابرابر فدائیان در برابر رژیم بی فایت و ستمگر و بیرحم برای آزادی و عدالت جنگیدند و جانفشانی کردند. این مبارزات برگ درخشان و فراموش ناشدنی دیگری بر کارنامه سازمان ما افزود رژیم خمینی با سرکوب بیسابقه و خشن از فدائیان انتقام گرفت. در یورش گسترده رژیم به نیروهای سازمان در سال ۶۶ صدها تن از ارزنده‌ترین کادرها و اعضای سازمان دستگیر و روانه شکنجه‌گاه شدند. رژیم در فاجعه ملی سال ۶۷، به قتل عام وحشیانه مبارزان دست زد. سازمان ما یکی از قربانیان اصلی این فاجعه بود، انبوه هنوز نامعلومی از بهترین یاران ما بدست جلادان به شهادت رسیدند و بر خیل جانباختگان سازمان نام‌های دیگری اضافه شد. در سالگرد

۱۹ بهمن، ما یاد همه شهدای جنبش فدایی از نخستین شهدای ۱۹ بهمن ۴۹ تا به امروز را - گرامی میداریم و خاطره آنان را دستمایه پیکارهای آینده‌مان می‌سازیم. فدائیان خلق بیستمین سالگرد تاسیس جنبش خود را در شرایط دشواری گرامی می‌دارند. تحولات عمیق جهانی و شکست الگوی "سوسیالیسم واقعا موجود"، بسیاری از باورهای گذشته ما خط‌برطلان کشید و همه یویندگان راه سوسیالیسم و عدالت در سراسر جهان را با بحرانی بی سابقه مواجه ساخت. بحران ما نه تنها تحت تأثیر این بحران جهانی، بلکه ناشی از شکست انقلاب بهمن، برنامه و خط مشی ما در این انقلاب، اختناق بیسابقه در جامعه و شرایط بسیار دشوار برای ادامه مبارزه در زیر تیغ چنین حکومتی است. جنبش ما اکنون چندین سال است که روند دشوار و پردرد نوسازی خود را آغاز کرده است. این نوسازی در شرایط گسترش یاس و خستگی نسبت به مبارزه، مقاومت عادات و تفکرات کهنه، سست شدن اعتقادات، و بالاخره شدیدترین تعاججات نیروهای راست و محافظه کار صورت می‌گیرد. اما نوسازی در سازمان ما هرگز همه این دشواریها را خود راه نمی‌گذارد. نخستین کنگره سازمان مادر مردادماه گذشته یک گام در این راه و تقویت دموکراسی در سازمان بود. این کنگره نشان داد که در سازمان ما چون همیشه نیرویی عظیم برای نوسازی و غلبه بر بحران وجود دارد. اکنون ما در آستانه بیستمین سال جنبش‌مان آماده‌ایم راه خود را در جهت زدودن زنگارهای کهنه و بازدارنده از اندیشه و عمل خود ادامه دهیم، آرمانهای اصلی آزادی برابری و برادری را با نیروی تازه تری بگیریم و مبارزه آنان را با فداکاری، صداقت و راستگویی بیشتری توأم سازیم. ما مصممیم در جانب زحمتکشان فکری ویدی میهن خود و طرفداران صلح، دموکراسی و عدالت در سراسر جهان باقی بمانیم. مبارزینی سازش ناپذیر علیه استبداد، بی‌عدالتی و عقب ماندگی باشیم و به عنوان یک سازمان چپ عدالتی خواه همه نیروی خود را در راه رهایی جامعه مان به کار گیریم. ما برای چنین مبارزهای انگیزه‌های بسیار داریم. جهان ما همچنان و به شدت ناهادلان است. فقر و گرسنگی، بی‌عدالتی و تبعیض در آن بیداد می‌کند، گروه گروه انسانها

**گسردن باد جنبش صلح!** بقیه از صفحه اول

مسالمت‌آمیز انجام می‌دادند یا تأیید و تصویب قطعنامه ۶۷۸ به ناظر و یا دنباله‌رو طرحهای واشنگتن بدل گردیدند. از اعضای دائمی شورای امنیت تنها دولت چین بود که به قطعنامه رای نداد و پس از آن نیز آمریکا را بخاطر توسل به جنگ ملامت کرد. در پی تصویب قطعنامه مزبور از مذاکره متفرشانگه وزیر خارجه آمریکا با وزیر خارجه عراق در ژنو نمی‌توانست نتیجه‌ای حاصل شود. خاورچین پرزود کوئیتر دبیرکل سازمان ملل متحد که با قطعنامه ۶۷۸ مغلوب‌الاجتبار شده است از آخرین کوشش خود و مذاکرات با مقامات عراقی دست خالی بازگشت.

با متراکم شدن ابرهای تیره جنگ، جهان را نگرانی عمیقی فرا گرفت. با قطع امید از توان دولتها و مجامع بین‌المللی در مهار نیروهای جنگ‌افروز در راس آن دولت چرخ بوزش، اقدامات مستقل نیروهای صلح‌دوست بالا گرفت. روزهای پیش از پایان مهلت ۱۵ ژانویه - روز تعیین شده در اوئیلتیاتوم شورای امنیت - شهرهای بسیاری در کشورهای مختلف شاهد تظاهرات زنجیره‌ای گردید. شعار عمومی همه این تظاهرات این بوده است که "خون در برابر نفت، نه". این تظاهرات که پس از آغاز جنگ نیز ادامه یافت، بازتاب و آگاهی بشریت بود. است. تظاهرکنندگان آگاهی و انزجار خود را از مطامع بهره‌کشانه، تجاوزگرانه و سلطه‌جویانه دولت آمریکا فریاد کرده‌اند.

بی‌توجه به این تظاهرات که خواست بخش گسترده‌ای از مردم جهان و منافع بشریت را بیان می‌کنند: در صبحگاه ۲۷ دی ماه به تصمیم کاخ سفید و تأیید و یا دنباله‌روی متحدینش ریزش بمب و راکت بر شهرهای عراق آغاز شد که تاکنون بلاوقته ادامه یافته است. اعلامیه‌های صادره از سوی ستاد فرماندهی عملیاتی با شغف از حجم عظیم ویرانی‌ها خبر می‌دهند. البته آثار و زاریکاراته کشتار غیر نظامیان بی‌پناه را به سکوت برگزارد می‌کنند. اما هم بر مطلق جنگی که زرادخانه‌های این همه مخوف در آن بکار گرفته شده و هم مطابق برخی گزارشهای مستقل، تلفات غیر نظامی جنگ فوق تصور بوده است. خبر گزارها و منابع خبری پر نفوذ در سطح جهان به همان اندازه که در بازتاب ضربات وارده به تاسیسات نظامی و صنعتی عراق و یا آسیب‌های وارده بر محیط‌زیست گشاده دستی می‌کنند، از اشاره به حجم عظیم کشتار غیر نظامیان سرباز می‌زنند، کشتاری که هده بی شماری از کودکان، پیران، زنان و مردان عراق را در کام خود بلعیده است. متقابلاً به دستور صدام حسین ارتش عراق شهرهایی را در اسرائیل و مرستان هدف راکت قرار داده است. این اقدامی بود که بنوبه خود انزجار جهانیان را برانگیخته، تأثیر ناچیز

به خاطر مشتی جنانکار قربانی میشوند خانه‌ها و شهرهایشان با پیشرفته‌ترین سلاحها ویران می‌گردد. در کشور ما از آن زمان که بنیانگذاران سازمان پیکار سربلندانه خود را آغاز کردند، اختناق بیشتر، بی‌عدالتی فراوان تر و عقب ماندگی گسترده تر شده است. کوشش ما نیز در چنگال فقر و ویرانی و اختناق بیسابقه‌ای گرفتار است. آرمانهایی که جنبش ما ۲۰ سال پیش به خاطر تحقق آن ها آغاز شد، همچنان به توت خود باقی است. ما وارثان و ادامه دهندگان همان راهی هستیم که با حماسه‌ای دلیرانه آغاز شد و تا به امروز ادامه یافت. خود جزئی از تلاشها و کوششهای بزرگ نسلهای پیشین مردم ما برای دستیابی به آزادی و عدالت است. ما آگاهیم که در این پیکار مقدس خطاهای بسیار داشته‌ایم. اما کیست که در راهی چنین دشوار گام گذارد و مصون از خطا باشد؟ ما تاریخ پیکار ۲۰ ساله خود را با سربلندی ارزیابی می‌کنیم، بر برابر موهب تعاججات ناحق از این تاریخ دفاع می‌کنیم و جنبش خود را یکی از اصیل‌ترین و برحق‌ترین جنبشهایی می‌دانیم که در راه سربلندی ایران و خوشبختی مردم مبارزه می‌کند. ما پرچم این جنبش را بر افراشته نگاه خواهیم داشت. از چنین جایگاهی است که ما رهایی جامعه از چنگال رژیم خونریز جمهوری اسلامی را بزرگترین وظیفه خود می‌دانیم. ما در بیستمین سالگرد تولد جنبش‌مان همه فدائیان خلق را به مبارزه مشترک علیه رژیم جمهوری اسلامی فرا می‌خوانیم. ما تاریخ، هلاکت و انگیزه‌های مشترک بسیاری برای مبارزه مشترک در این راه داریم. همه رفقا مبارزینی که خود را وابسته به اردوی چپ در ایران می‌شناسند به اتحاد در این مبارزه دشوار دعوت می‌کنیم. ما در این راه به کوشش متحدانه همه نیروهای طرفدار دموکراسی و جمهوری دل بسته‌ایم و مبارزه مشترک علیه دیو استبداد را بزرگترین وظیفه بر دوش همه کسانی که ایران را سربلند می‌خواهند می‌شناسیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بهار ماه ۶۹

تخریبی و تلفات اندک انسانی موشکباران شهرهای دو کشور فوق، نمی‌تواند ذره‌ای از بعد جنایتکارانه آن بکاهد. اکنون جنگ با شدت جریان دارد. دم بدم دامنه جنگ را گسترده تر می‌کنند. روزهای تیرمتری در پیش است. دولت آمریکا تنها به فتح و پیروزی نظامی می‌اندیشد، فتحی که باید به کار تأمین سلطه‌اش بر جهان بیاید. برای دستیابی به آن پیروزی، از تهاجم و سیاستمداران آمریکایی از توسل به پلیدترین وسایل ابایی نخواهند داشت. به همانگونه صدام حسین نیز نشان داده است. توان انجام چنان جنایات هولناکی را دارد که تصور ناپذیر است. وی تاکنون زرادخانه شیمیایی و میکروبی ارتش عراق را که به کمک متحدین آمریکا به آن دست یافته، بکار نگرفته است. اما همپای تداوم و گسترش جنگ که آمریکا این صله به آن علاقه نشان می‌دهد، احتمال کاربرد این گونه سلاحها نیز توسط عراق و یا حتی اسرائیل (که متواذانه‌های بین‌المللی در توج کربرد سلاحهای شیمیایی و میکروبی را نپذیرفته و امضا نکرده است) افزایش می‌یابد. در صورت بروز این فاجعه، لکه‌ای بر تاریخ بشریت خواهد نشست که همچون فاجعه بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی توسط آمریکا در جنگ جهانی دوم هیچگاه زنده نخواهد شد. عوارض هولناک انسانی و طبیعی چنین فاجعه‌ای همه کشورهای منطقه را تاسالها دربر خواهد گرفت. طراحان سیاست در کاخ سفید زمانیکه تصمیم به آغاز جنگ می‌گرفتند، البته همه اینها را می‌دانستند.

فجایی که تاکنون بیار آمده است حقانیت کسانی را نشان می‌دهد که برای دفع تجاوز عراق راههای صلح‌آمیز را جستجو می‌کردند. این باور که بشریت امروز دارای آن توان و امکان هست که با وحدت اراده و عمل، ارتش عراق را از طرق مسالمت‌آمیز از کویت بیرون براند، باوری واقع‌بینانه است. مسئولیت‌شناسی توجیه به این توان و تکیه بر آن است. هیچگاه نمی‌توان و نباید برای دفع یک شش‌به‌شش بزرگتر تکیه زد. قطع فوری و بی‌قید و شرط عملیات نظامی آن خواسته مقدمی است که باید مطالبه شود. اکنون دولت ایالات متحده و همراهانش در خود این توان را می‌بینند که این خواسته را نادیده بگیرند. اما با دامنه‌دار شدن تظاهرات صلح و دیگر حرکات اعتراضی نادیده گرفتن این خواسته برحق چندان آسان نخواهد بود. جنبش صلح در سطح جهان بدستی کاخ سفید را نشانه گرفته است. باید آمریکا را که برای خود نقش آفرین می‌در در پهنه جهان قائل است و اداس ساخت نقش بر آب حقوقی را جامعه بین‌المللی را بپذیرد از نخستین شروط تأمین نظم نوین بین‌المللی که امروزه این همه با آن فاصله داریم همین امر است.

# اعتراضات مردم؛ عقب نشینی دولت

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## در تظاهرات علیه جنگ شرکت کنید!

وقوع جنگ در خلیج فارس با اعتراض دم افزون مردم صلح دوست جهان روبرو شده است. امواج انسانی در مخالفت با این جنگ جنایتکارانه به حرکت درآمده و شهرهای مختلف جهان شاهد راه پیمایی های صلح جویانه است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه فدائیان خلق را به شرکت فعالانه و گسترده در این اعتراضات صلح طلبانه فرا می خواند می بایست فریادهای انسان های بی شماری که صلح می خواهند هر چه رستارتر گردد.

رفقا! در هر جا که مستید با شعار "قطع بدون قید و شرط جنگ" و "حل بحران خلیج فارس از راه مسالمت آمیز" در تظاهرات و نمایشات صلح آمیز شرکت کنید.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۷ دی ۱۳۶۹ - ۱۷ آبانیه ۹۱

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره وقوع جنگ در خلیج فارس بقیه از صفحه اول

### جنگ را بی قید و شرط قطع کنید!

به کویت را با تجاوزی بزرگتر پاسخ دادند و بحران خلیج فارس را به یک جنگ تمام عیار و غیر انسانی بدل کردند. اکنون کوشیده می شود که امریکا رهبر و نجات دهنده تمدن و انسانیت و مبارزه با عقب ماندگی جلوه داده شود اما در پشت پرده ادعاهای انسان دوستانه دولت امریکا هیچ چیز نیست جز تلاش جنون آمیز به تصد تحویل سرکردگی این دولت و تحمیل اراده شرکت های امریکایی به جهان به اتکالی قدرت نظامی.

رژیم عراق در پی منافع نامشروع خود و با لجاجتی بی مانند در برابر خواست جامعه جهانی مبنی بر عقب نشینی از کویت بی اعتنائی نشان داد و شرایط وقوع چنین فاجعه ای را که نتیجه اش بدبختی های بسیار مردم کشور عراق و ویرانی کشورهای منطقه است، فراهم آورد.

ما فدائیان خلق، همصدا با جامعه جهانی، تجاوز صدام حسین به کشور کویت را محکوم کرده ایم و خواهان عقب نشینی نیروهای متجاوز از خاک این کشور شده ایم، اما برای رفع این تجاوز، بر تجاوزی بزرگتر صحنه نخواهیم گذاشت. به اعتقاد ما قطع بدون قید و شرط جنگ و ادامه تلاش جامعه جهانی از راههای مسالمت آمیز به منظور مجبور ساختن دیکتاتور عراق به عقب نشینی از کشور کویت، یگانه راه انسانی حل بحرانی است که اینکه منطقه ما را به آتش کشانده است، این جنگ باید قطع شود. هر روز و هر ساعت چنین جنگی غیر انسانی و جنایتکارانه است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۷ دی ماه ۱۳۶۹ - ۱۷ آبانیه ۹۱

### اطلاعیه دبیرخانه

اجرائی کنگره دوم و اتخاذ موضع پیرامون این قرارها. اجلاس یاد شمعی سازمان و همه جانبناختگان راه آزادی و عدالت را با یک دقیقه سکوت گرامیداشت و سپس وارد دستور شد.

در آغاز قرار بی به کلیه موارد در دستور پرداخت و شرکت کنندگان در جلسه از حق رای قطعی برخوردار شدند و در همین حال مقرر گردید که مسئولیت کلیه تصمیمات اجلاس و اجرای آنها را شورای مرکزی عهده دار باشد.

اجلاس با موفقیت به کلیه موارد در دستور پرداخت و قرارهای پیشنهادی شورای مرکزی - موضوع بند ۴ دستور کار مذکور را تأیید کرد. و قرارهایی به منظور بهبود اوضاع مالی و ارتقا کیفیت کار سازمان صادر نمود.

گزارش مجلس وسیع و گزارش سیاسی شورا و خلاصه گزارش همکدر شورا و گروه های کار در شماره های آینده نشریه اکثریت درج خواهند شد. همچنین گزارش کامل همکدر شورا و گروه های کار از طریق مسئولین واحدهای سازمانی در اختیار اعضا قرار نگیرد.

دبیر خانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بهمن ماه ۱۳۶۹

کشور هر سال ۲ میلیون نفر افزوده میشود، رشد جمعیت افزایش چند صدی تولید را می بطلاند.

دولت رفسنجانی در درگیری با جناح تندرو دست در دست رسالتی ها و تجار بازار گذاشته و به یاری آنها می خواهد تندرو ها را عقب بزند. این بند باز یه امکان اتخاذ سیاست های قاطع و ضرور را در برخورد با سرمایه تجاری و دلالتی سلب میکند به آنها هم چنان امکان یک تازی را می دهد.

نمی توان با اقدامات نیم بند بر بحران اقتصادی قلمه کرد. برای سالم سازی اقتصاد کشور گسترش تولیدات صنعتی و کشاورزی، برنامه های پایه ای مورد نیاز است. برنامه های رفسنجانی تاکنون نتوانسته است بهبودی در وضعیت زندگی مردم بوجود آورد.

مردم از این وضع به تنگ آمده و با شکال مختلف زبان به اعتراض گشوده اند. اعتراض مردم وقتی شرایط لازم فراهم می شود، بطور آشکار بروز پیدا می کند. فرهنگیان اصفهان متاثر از درگذشت یک دبیر دبیرستانهای نجف آباد که گویا برای تأمین هروسی دخترش کلیه خود را فروخته بود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب چند شهر دیگر را نیز فرا می گیرد.

خبر دیگری نیز مبنی بر اعتراض کارگران برق منطقه ای دریافت شده است. هم چنین گفته می شود کارمندان روز معینی را جهت برپایی اعتصاب سراسری تعیین کرده بودند که سران رژیم از این امر آگاه شده و آن روز را تعطیل اعلام می کنند.

در مجموع میتوان گفت که جنب و جوشی در بین مردم آغاز شده و روحیه اعتراض گسترش یافته است. این اعتراضات طیف وسیعی را در بر گرفته و از پتانسیل بالایی برخوردار است. سران رژیم که بر این امر وقوف دارند قبل از اینکه اعتراضات حدت یابد و گسترده شود به یکسری اقدامات دست زدند. آنها و امه داشتند که اعتراضات آنچنان بالا بگیرد که سر نیزه هم کار ساز نشود. لذا کوشیدند با امتیاز دادن و عقب نشینی، اعتراضات را مهار کنند. آنان این بار با هر چه سر نیزه بسراغ معترضین ترفتند. افزایش درآمد نفت، به رفسنجانی این امکان را داد که دستمزدها را بپردازد و کارگران را بالا ببرد.

دولت لایحه افزایش دوهزار تومان به حقوق کارمندان رسمی و هزار تومان به بازنشستگان و مستمری بگیران را در مجلس شورا به تصویب رساند و شورای عالی کار نیز دوهزار تومان در دستمزد کارگران مشمول تأمین اجتماعی افزود. بعلاوه نرخ خدمات در یکسری زمینه ها کاهش یافت. شمرداری تهران نرخ کرایه تاکسی های خطی را بمیزان قابل توجهی کاهش داد. وزارت نیرو نیز افزایش حق اشتغال برق را تقو کرد. دیوان عدالت اداری افزایش تصاعدی بهای آب و برق را طی حکمی غیر قانونی اعلام کرد و گفت وزارت نیرو و سازمان های آب و برق و سایر تشکیلات آن اجازه ندارند بدون مصوبه مجلس شورا و شورای تشخیص مصلحت نرخ خدمات خود را افزایش دهند. در این حکم گفته شده است: "سازمانهای آب و برق می بایستی از این پس بهای خدمات خود را به روال گذشته دریافت نمایند." بعلاوه دیوان عدالت اداری ۲۰ هزار تومان مالیات نقل و انتقال تلفن را که توسط وزارت اقتصاد و دارائی وضع شده بود لغو کرد. هاشمی رفسنجانی نیز تمام ارگانها و موسسات دولتی را از افزایش قیمت کالاها و خدمات منع کرد.

این عقب نشینی ها و لغو تصمیمات یکسری ارگانها در مورد افزایش قیمت کالاها و خدمات میتواند در کاهش قیمت ها تأثیر داشته باشد ولی قیمت ها بمیزان سابق بر نخواهد گشت. به گفته روزنامه کیهان: "دبیرمی است که وضع و دریافت این گونه وجوه در افزایش قیمت کالاها و خدمات بطور اهم تر است اثر داشته است ولی اعلام خلاف قانون بودن متأسفانه با همان سرعت در کاهش قیمت ها اثر نخواهد داشت و شاید حتی کاهش قیمت ها را موجب نشود."

تجربه اخیر اعتراضات مردم نشان داد که میتوان با گسترش حرکات اعتراضی رژیم جمهوری اسلامی را وادار ساخت که از موضع خود عقب بنشینند و به مطالبات مردم پاسخ دهد. پیروزی در کسب مطالبات به جنبش اعتراض مردم در توان جدیدی خواهد بخشید.

اعتراضات مردم علیه وضع موجود در ماه های اخیر نمود بارزتری پیدا کرده و با شکال گوناگون تجلی یافته است. دولت رفسنجانی بر اثر این اعتراضات مجبور شده است افزایش نرخ برخی خدمات را لغو نماید. حقوق کارگران مشمول بیمه اجتماعی، کارمندان و بازنشستگان را افزایش دهد.

مردم میهن ما در وضع فلاکت باری بسر می برند و از همه سو تحت فشارند. قیمت کالاها بطور سرسام آور بالا رفته و تورم بیداد می کند. هزینه مسکن کمر مردم را می شکند. قیمت خدمات مرتباً افزایش می یابد. دستگاه دولتی در بالا بردن قیمت خدمات به رقابت با باغران بخش خصوصی برخاسته است.

در طی چند ماه قیمت آب، برق، تلفن، پست، تلگراف، مالیات نقل و انتقال تلفن، نرخ تاکسی بالا رفته است. این وضع موجب شده که قدرت خرید مردم مداوماً کاهش یافته و روز بروز فقیر تر و تنگدست تر شوند.

در ماه های اخیر فشارهای دیگر نیز افزوده شده است. کمبود نفت و نابسامانی در توزیع آن و بالنتیجه صف های طولیل نخت در برابر مراکز و شعبات توزیع نفت، کاهش تولید برق و افزایش ساعات قطع برق، کمبود نان و طولانی شدن صف های آن.

واقعیت زندگی مردم به غیر از آن چیزی است که رفسنجانی و حامیان او تصویر می نمایند، رفسنجانی می گوید: "افزایش قابل توجه تولید واقعی و مهار رشد فزاینده نقدینگی، موجب کاهش روند رشد قیمت ها شده، بنحویکه رشد شاخص هزینه ها در ششماه اول سال ۱۳۶۹ به ۵/۱ درصد رسیده است که نسبت به رقم شش ماهه اول سال ۱۳۶۸ یعنی ۳۴/۳ درصد حاکی از کاهش چشمگیری است." (سخنرانی رفسنجانی هنگام ارائه لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ به مجلس) ولی مردم چنین سخنانی را باور نمی کنند زیرا که در زندگی روزمره کذب آن راه به چشم خود می بینند. در جریان بررسی لایحه متمم بودجه سال ۶۹ یکی از نمایندگان مجلس شورا افشاش کرد که طی حکومت جمهوری اسلامی تورم تا ۱۶۰ درصد افزایش یافته است. یکی دیگر از نمایندگان گفت: "انجام مصاحبه و ارائه آمار و ارقام مشکلی را حل نکرده و نمی کند. افرادی در منطقه به اینجاب مراجعه کرده اند که بعلت عدم توانایی در تهیه قلم و دفتر فرزندانشان، کودکان معصوم خود را به مدرسه نرستاده اند."

با آغاز بحران خلیج و بالا رفتن قیمت نفت، درآمد دولت رفسنجانی به یکباره افزایش قابل توجهی یافت. در بودجه ۱۳۷۰ برای درآمد ارزی کشور رقم ۲۰ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است. ولی افزایش درآمد ارزی به معنی قلمه بر بودجه اقتصادی و ظهور دوره رونق می باشد. دولت رفسنجانی در همین حال مناسبات اقتصادی خود را با کشورهای مختلف جهان بویژه با کشورهای اروپای غربی گسترش داده و قرار دادهای متعدد اقتصادی با آنها بسته است. برخی سیاست های اقتصادی نیز که توسط دولت آغاز شده است در جهت بالا بردن تولید صنعتی کشور است. این مجموعه اقدامات و امکانات میتواند به افزایش تولیدات صنعتی در برخی عرصه ها منجر گردد. علی الخصوص که صنایع ما وابسته است و راه افتادن چرخ آن نیاز به وارد کردن مواد اولیه و کالاهای واسطه ای کشورهای دیگر دارد و افزایش درآمد ارزی میتواند این نیاز را تا حدود زیادی تأمین کند.

اما اقتصاد کشور ما با بحران همیتی مواجه است. بگفته مقامات دولتی کارخانجات بایک چهارم ظرفیتشان کار میکنند. دستگاه های تولیدی فرسوده شده و در طی حکومت جمهوری اسلامی ترمیم و نوسازی نشده است. اقتصاد انگلی و سیعبار شد یافته است. سرمایه های عظیم در دست تجار و دلالان متمرکز شده است. بخش خدمات و بازرگانی و دلالتی بطور انحصاری گسترش یافته و بخش مهمی از نیروی کار جامعه را جذب کرده است. نرخ سود در این بخش فوق العاده بالا است. فرنگ دلالتی، یک شبهه ره صدساله پیمودن و کسب سهل الوصول سودهای کلان و سیعبار گسترش یافته است. سرمایه های تجاری بسادگی حاضر نیستند از سودهای باآورده دست بکشند. در تولیدات صنعتی سرمایه گذاری می کنند. بعلاوه بر جمعیت

اعتصاب فرهنگیان در تعدادی از شهرها در آذرماه، توجه مردم میمنهان را به وضع دردناک کارمندان کشور جلب کرد. سران رژیم جمهوری اسلامی که از سراسری شدن اعتصاب و گسترش آن به دیگر اقصای جامعه به وحشت افتاده بودند، در خطبه های نماز جمعه، در سخنرانی های مجلس و در مطبوعات به دلجویی از کارمندان و به تحلیل از مقام معلمان پرداختند و وعده های فراوانی به آنها دادند. رفسنجانی مجبور گردید

بلند به نوشته روزنامه های کشور بطور متوسط ۶۰ درصد حقوق کارمندان صرف کرایه خانه میشود و با ۴۰ درصد بقیه حقوق، مجبورند هزینه های سنگین مواد غذایی، پوشاک، تحصیل فرزندان، ایاب و ذهاب و غیره را تأمین کنند. این وضع به کارمندان فشار سنگینی وارد میسازد و آنان را مجبور میکند که برای معاش به راه های دیگر روی بیاورند.

# وضع دردناک زندگی کارمندان

در خطبه نماز جمعه اعتراف کند که: "در دوران جنگ، حقوق بگیران مابلور کلی تحت فشار بودند. بعضی هاشان با قرض گرفتن زندگی میکردند، بعضی ها هم مجبور بودند با مضیقه زندگی شان را بگذرانند، به دنبال آن دولت لایحه ای در مجلس به تصویب رساند که بر پایه آن به حقوق کارمندان رسمی کشور ۲۰ هزار ریال و به حقوق کارمندان بازنشسته و مستمری بگیران مبلغ ۱۰ هزار ریال افزوده شد. مجلس شورای اسلامی حدود یک میلیارد تومان از بودجه سال ۶۶ صدا و سیما جمهوری اسلامی را کم کرد و آنرا برای ترمیم حقوق کارمندان پیمان و قراردادی اختصاص داد. کروی رئیس مجلس شورا برای جلب کارمندان اعلام کرد که مجلس خواهان افزایش مبلغ بیشتری بوده ولی دولت رفسنجانی با این درخواست مجلس مخالفت کرده است.

با وجود پائین بودن حقوق کارمندان، دولت از طریق مالیاتها نیز بخشی از آرزوهای بدون آنکه بازاء اخذ این مالیاتها، خدمات ضروری به آنها ارائه دهد، دولت بدون صرف کوچکترین هزینه ای سهم مالیات را قبل از پرداخت حقوق کسر می نماید و برای کارمندان هرگونه راه فرار از پرداخت مالیات را می بندد. در حالیکه اخذ مالیات صاحبان سرمایه راه های زیادی جهت فرار از پرداخت مالیات وجود دارد.

افزایش این مبلغ ناچیز در شرایطی که قیمت ها بطور لجام گسیخته بالا میروند، نخواهد توانست کاهش روز افزون قدرت خرید کارمندان را جبران کند. کارمندان جزو حقوق بگیران جامعه هستند و در دهه اخیر حقوق بگیران بیشتر از سایر اقشار از جمله جامعه از افزایش سرسام آور قیمتها زیان دیده و مشقات و مصائب زیادی را متحمل شده اند. مطالبات رژیم نیز بر این امر اذعان دارند. روزنامه رسالت می نویسد اگر اثر تورم را طی سالهای ۶۰ تا ۶۷ از افزایش ظاهری و اندک حقوق تا کم کنیم و قدرت خرید را مورد ملاحظه قرار دهیم باید تا حدود ۶۷ درصد تقویت در می یابیم که قدرت خرید کارمندان در سال ۶۷ نسبت به سال ۶۰ به کمتر از یک سوم تقلیل یافته است.

دولت هم از طریق مالیات بر حقوق کارمندان و هم از طریق مالیاتهای غیرمستقیم موجب کاهش قدرت خرید کارمندان میشود. دولت تنها حقوق کارمندان را که حداکثر درآمد ماهانه آنها چهار هزار تومان در ماه است، از پرداخت مالیات معاف کرده است. این معافیت بخش محدودی را در برمیگیرد. در حالیکه کارمندان با توجه به درآمدشان از معافیتهای مالیاتی بیشتری باید برخوردار گردند.

کارمندان تشر و سعی از جامعه ما هستند. عده آنان با رشد بی حد و منحربور و و کراسی دوران حکومت جمهوری اسلامی با رشد جمعیت کشور بشدت افزایش یافته است. آمارگیری سال ۶۵ نشان میدهد که میزان کارکنان بخش عمومی از یک میلیون و ۶۷۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به سه میلیون و ۴۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است. بطور آن بخش کوچکی از کارمندان، بخش اعظم آنان با مسئله تأمین مایحتاج زندگی دست و پنجه نرم میکنند.

دولت بخش اعظم مالیات بر درآمد را از طریق وصول مالیات بر حقوق تأمین میکند. در حالیکه از صاحبان ثروتی کلان، کمترین مالیات را میگیرد. مالیات حقوق در سال ۶۵ حدود ۵۷ درصد مالیات بر درآمد را تشکیل میدهد. صاحبان مشاغل آزاد "با وجود اینکه بیشترین بخش از تولیدی بخش خصوصی را در اختیار دارند و دریافت کننده بخش عمده اعتبارات چند هزار میلیارد ریالی بانکی و صاحب بیش از نیمی از درآمدهای ملی کشور هستند تنها رقمی نزدیک به ۷ درصد از مالیات را پرداخت میکنند" (کیهان ۱۷ آذر ۶۹)

جمهوری اسلامی در بدو امر به بهانه صرفه جویی در هزینه ها، بخشی از حقوق و مزایای کارمندان مثل "کمک هزینه مسکن"، "اضافه کار"، و حق "ایاب و ذهاب" را حذف کرد و با نتیجه از میزان حقوق و مزایای کارمندان کاسته شد. سرمداران رژیم در طی ۱۲ سال، توجه و اعتنایی به زندگی و معاش کارمندان نکردند و آنان را به حال خود رها نمودند. آنان برای سرباز زدن از افزایش حقوق کارمندان به دستاوردهای مختلف توسل جستند و تنها وعده و وعیدتحویلی دادند. دستاورز اصلی کارگزاران رژیم این بود که با افزایش حقوق کارمندان، قیمت کالاها بالا خواهد رفت و با نتیجه وضع کارمندان بهبود نخواهد یافت. ولی در واقعیت امر، همواره قیمت کالاها افزایش یافته است و آنچه ثابت مانده، حقوق کارمندان بوده است. سران حکومت میگویند: "کارکنان دولت جزو مستضعف ترین اقشار جامعه هستند و باید هم تأمین امنیت شغلی و هم تأمین زندگی آنها را اصل قرار دهیم." (صحت خامنه ای هنگام ریاست جمهوری ریش) وزیر دارایی وقت در سال ۱۳۶۶ گفت: "دولت از این مسئله آگاهی دارد و کم توجه نیست ولی با توجه به اینکه هر افزایش اصل حقوق، حجم تورم را بالا میبرد، دولت درصدد است که با کاهش مالیاتها بر حقوق، بار و سواختن تعاونی ها و... وضع زندگی حقوق بگیران را بالا ببرد." این وعده ها که چند سال قبل داده شده است به هیچوجه جامه عمل نپوشیده و کارمندان هنوز در چنبره مشکلات معیسه گرفتارند.

مهم تناسب هزینه های زندگی کارمندان با حقوقشان، آنان را وادار میسازد برای تأمین معاش به شغل دوم و سوم روی بیاورند. شغلهایی که هیچ سنجی با کار آنها ندارند. شغلهایی نظیر: سیگار فروشی، دلای ارز، دستفروشی، بنگاه معاملات ملکی و تومبیل، رانندگی تاکسی و مسافرخشی، شغل دوم و سوم جان و روح کارمندان را می فرساید و به فرور آنها لطمه میزند و بر رفتار و شخصیت آنها تأثیر منفی میگذارد. کارمندان در چنین شرایطی نمی توانند رقیب چندانی به کار اداری نشان دهند. آنان تماما به فکر تأمین معاش هستند و بعد از فراغت از کار اداری، امکان استراحت و تجدید قوا برای آنان وجود ندارد.

مسکن یکی از این مشکلات است. کارمندان اکثر افتاد خانه شخصی بوده و مجبورند در خانه های اجاره ای سکنی گزینند. ولی اجاره خانه ها بخش اعظم درآمد آنان را می

وضعیت کارمندان بی تردید بر کمیت و کیفیت کار آنها تأثیر میگذارد. میزان کاری که اکنون در دستگاه اداری کشور انجام میگیرد فوق العاده پائین است و روز به روز هم کمتر میشود. در طی حکومت جمهوری اسلامی راندمان کار کارمندان به شدت پائین آمده است: "مطالعات در بخش بازده سرانه کار نشان میدهد که در طی سالهای ۶۵-۱۳۵۵ در بخش خدمات دولتی بازده سرانه کار نزدیک به ۷۰ درصد سقوط کرده است" (کیهان ۱۲ آذرماه ۱۳۶۷) آمارها نشان میدهد که تنها بیست درصد از مان اشتغال کارمندان صرف کار مفید اداری میشود و ۸۰ درصد زمان کار به اتلاف میسرده. اگر میزان ساعات کاری کارمندان را ۴۴ ساعت در نظر بگیریم، فقط ۸ ساعت و ۴۴ دقیقه آن صرف کار مفید شده و ۳۵ ساعت و ۱۲ دقیقه آن تلف میشود. در حالیکه در کشورهای پیشرفته بطور متوسط ۱۰۰ درصد زمان اشتغال کارمندان دولت به کار مفید اختصاص می یابد و تنها ۲ درصد تلف میشود.

مجلس شورای اسلامی در آذرماه ۱۳۶۹، با تصویب قانون "تأمین معاش کارمندان و معاش خانواده های آنان" وعده داد که در سال ۱۳۷۰، حقوق کارمندان را ۲۰ درصد افزایش دهد و معاش خانواده های آنان را ۱۰ درصد افزایش دهد. این وعده ها که در آذرماه ۱۳۶۹ اعلام شد، تاکنون محقق نشده است.

علاوه بر وضعیت معیشتی، وضع حاکم بر سیستم اداری کشور نیز بر کارمندان فشار سنگینی وارد میکند. پاندا بازی و تبعیض در ادارات یکی از پدیده هایی است که کارمندان از آن رنج میبرند. جناحهای موجود در حکومت به آنجا که در رأس امور قرار میگیرند، افراد منتسب به جناح دیگر را طرد و تصفیه می کنند و عناصر وابسته به خود را در رأس امور میگذارند. اصلاح سیستم اداری در یکسال نیم

اخیر و سببه تصفیه عناصر جناح تندرو در ادارات کشور شده است. علاوه کسانی که در رأس امور قرار میگیرند مسئولین قبلی را حذف کرده و افراد جدیدی را بر پایه مناسبات خانوادگی و فامیلی، دوستی و هم شهری گری در پستهای مختلف میگذارند و بدین ترتیب با قیض پست ها هم بدون مانع "ریاست" میکنند و هم از مزایای "ریاستی" بهره میگیرند. وجود مسئولین مطیع و مطمن اینی مناسبی برای هرگونه سوء استفاده به وجود میآورد. در مواقعی این دوجنبه در هم می آمیزند و "خطبازی" به پوشش موجبی برای باندهای قدرتمند تبدیل میشود. اینگونه باندها که دولت خود را مستعجل می بینند تمام تلاش خود را بکار میگیرند تا در دوره صدارت خود، هرچه بیشتر بیاندوزند و برای فردای خود توشه بردارند. به همین خاطر در موارد متعددی مشاهده میشود که پستها در ادارات نه برای حل مشکلات مردم و راندن اذختن امور، بلکه موقعبت مناسب برای یک عده زراندوز جهت رشوه خواری و ارتشاء است. به همین خاطر در مواد زیادی درگزش مسئولین نه تواناییها، استعدادها و سابقه کار بلکه "روابط" و "مطیع بودن" ملاک قرار میگیرد. این وضع موجب عدم امنیت شغلی کارمندان شده و روحیه مطیع بودن و تسلط زود را در بین آنها برای حفظ "پست" رواج میدهد. علاوه کسانی که "مکتبی" هستند از مزایا و امکانات بیشتری برخوردار هستند و سرریانه "در جات بالا" ارتقا می یابند. زنان کارمندان در دستگاه اداری کشور تحت فشار بیشتری قرار دارند. سرمداران حکومت اکثر کارمندان زن را خانه نشین کرده و در ادارات هم مقررات سختی در مورد آنها اعمال میکنند نمی گذارند زنها در پستهای بالا قرار گیرند. برخی از کارمندان مرد هم از این تبعیض ها سوءاستفاده کرده و معترض زنانی میشوند که در پستهای بالاتر از خودشان قرار میگیرند.

همگردد تا هنگام سیستم بوروکراسی کشور، موجب رشد وسیع فساد گردیده است. ارتشاء در سطوح بالای وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی ابعاد گسترده ای پیدا کرده است ولی در بین حال بخشی از کارمندان در سطوح پائین و میانی نیز برای گذران زندگی به رشوه گیری روی آورده اند که متجاست به فرهنگ رایج در مناسبات بین کارمند و ارباب رجوع تبدیل شده است. یعنی ارباب رجوع میداند که برای انجام کارش باید "حق الزحمه" بدهد و در غیر اینصورت محتما کابرد از ادارات سرگردان شود و کارمند هم حق طبیعی خودتلقی میکند که برای انجام کارها از ارباب رجوع "حق الزحمه" دریافت کند. این وضعیت موجب اشاعه فرهنگ فساد در ادارات گردیده است که سبب آن قبل از همه رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد مردمی آن است.

با وجود انبوه مشکلاتی که روی کارمندان سنگینی میکند، رژیم جمهوری اسلامی سیاستهایی را اتخاذ میکند که فشار روی کارمندان را افزایش میدهد. سران رژیم آگاهند که کارمندان برای تأمین معاش مجبور شده اند که بعد از فراغت از کار اداری به شغل دیگر بپردازند. با این وجود اخیرا ساعات کار ادارات را تا چهار بعداز ظهر تعیین کرده اند. ناطق نوری نماینده نور و محمود آباد در این مورد میگوید: "چیزی به کارمندان ندادید بعد چند مصاحبه گردید و وضع کارمندان را خراب کردید. تغییر ساعات کار کارمندان ضربه ای برای آنها بود. یک خانم کارمند بعد از ظهر باید به زندگی اش برسد ولی تا ساعت ۴ بعد از ظهر هم رقت او را میگیریم و چیزی برای خانه اش باقی نماند. کارمندی زندگی اش اداره نمیشود و کار دوم پیدا کرده است، کار دوم او را گرفته ایم بدون اینکه چیزی به او بدهیم." (اطلاعات ۲۴-آبان ۶۹)

کارمندان با مشکلات زیادی روبرو هستند ولی رژیم جمهوری اسلامی به آنها امکان شکل و دفاع از منافع صنفی اشان را نمیدهد. ارگانهای سرکوب رژیم از طریق بخش "حراست" و اجتماعات اسلامی، معترضین و دگراندیشان را شناسایی میکند و برای آنها پرونده میسازد و در بسیاری از موارد کار به اخراج و زندان هم می کشد. در بین سالهای ۵۹ تا ۶۲ طرفداران نیروهای مترقی و آزادیخواه بطور وسیع از ادارات تصفیه شدند و از ابتدای سال ۶۳ قانون "رسیدگی به تخلفات اداری" توسط رژیم به اجرا درآمد. به ابزاری برای خفه کردن کارمندان تبدیل گردید. با همه این اقدامات سرکوبگرانه، کارمندان کشور به اشکال مختلف به اعتراض برخاسته و از منافع خود دفاع میکنند. اعتراضات کارمندان و اعتصاب فرهنگیان رژیم را مجبور به عقب نشینی کرد. مبارزه وسیع و متحد کارمندان بی شک میتواند رژیم را به عقب نشینی های جدی تر در رابطه با مطالبات کارمندان و ادار سازد.

در دوازدهمین سالروز سقوط سلطنت و آغاز استقرار ارتجاع مذهبی

انقلاب بهمن پایان سلطنت بود

اسمعیلی  
عضو شورای مرکزی سازمان

دوازده سال از انقلاب بهمن ۵۷ می‌گذرد و گوئی هنوز روشنفکران مترقی ایران برای ارائه‌کنندگانی همیق و همه‌جانبه از آنچه در این سالها گذشت، به زمان بیشتری نیاز دارند. شاید هم اکنون کسروی‌های انقلاب بهمن - آنجا که از جنجال گریزانند - در گوشه و کنار به تحقیق و کژداری مشغولند و آثارشان بعدها در اختیار جامعه قرار می‌گیرد. اما به هر تقدیر تا امروز اثری که چون و چرایی این بزرگترین حادثه تاریخ معاصر ایران را به تعامی بیان کند، از سوی روشنفکران ترفیخواه کشور انتشار نیافته است. این خود نشانه‌ایست از اینکه نیروی ترقی و پیشرفت، در شرایط شکست و عقب‌نشینی نتوانسته سهم شایسته خویش را در این عرصه ادا کند و میدان برای شاهانه نظرات و پاسداران نظم کهن باز مانده است.

دشواری کار البته روشن است و روشن تر خواهد شد اگر شرایط زمان و این حقیقت را هم در نظر بگیریم که بخشی از مسائل و معضلات فکری امروز ما - و لاجرم پاسخ‌دهنده - خصولتی فراملی دارد. باین همه، ما را از تلاش در این عرصه حیاتی‌تری نیست.

تاکید بر ضرورت کنکاش پیرامون چون و چرایی انقلاب بهمن نه فقط متوجه وجه تاریخی امر، بلکه متوجه این حقیقت است که هم‌اکنون سردرگمی و خلاموجود در این عرصه، انعکاس مستقیم در سیاست یافته و دلالت سیاسی در همه جا به راه افتاده‌اند تا سبب برانگیز سلطنت را به مضای جریانات چپ، دمکرات و ملی برسانند.

اهمیتی نداشت اگر تحریک دلالان یکجانبه می‌بود، اما اکنون ما باین واقعیت در دناک و روبرویم که شماری از جریانات ملی، نه تنها خود را برای فراموش کردن آماده نمیکنند، بلکه اینجا و آنجا چپ را نیز بدین کار فرامیخوانند و گاه قدم بیشتر گذاشته - شاید برای کاستن از تبع‌همیل خویش و شاید از سرفرست طلبی سیاسی به جا مانده از عهد همیق و با این پیش فرض که موازنه چپ و راست ضامن تامل و رهبری میانه است - معلا هر نوع همکاری را بچپ رانه حضور راست سلطنت طلب مشروطیت‌کنندگان و مشی‌الائتلافی خویش را بر این پایه بنا کرده‌اند.

نمی‌تواند این تمایل به فراموش کردن رافعظناشی از مصلحت طلبی سیاسی دانست و بنیانهای اندیشه را بری از کاستی گذاشت. مصلحت طلبی تنها بر سبب اندیشه‌های ناراست می‌تواند تا قلب خشن تاریخ یک ملت پیش برود. ما در نخستین کنگره سازمان بر این واقعیت تاریخ معاصر ملت ایران تاکید کردیم که "مردم ایران در انقلاب بهمن به نظام سلطنت نه گفتند" و مادام که به حوادث آن سالها، مستقل از رهبری و نتایج فاجعه بارش، به مثابه جنبشی اصیل و مردمی نظر داریم، از تکرار این سخن خسته نخواهیم شد.

هیچ مورخ و نظریه پرداز معتبری قادر نیست تناقضات انقلاب بهمن - نتایج به‌ناچار مناقض آنرا - نادیده بگیرد. این یک جنبش اصیل و مردمی بود که رهبری آن به دست ارتجاع افتاد و برای تحقق این فاجعه در خود آن مردم زمینه ذهنی کافی وجود داشت. پس هم مهر و نشان مردم مترقی و هم رد پای ارتجاع را در خود - و نتایج خود - دارد.

"بلوا" و "شورش" نامیدن آسان است به همانگونه که "انقلاب شکوهمند و بزرگ" خواندن آما زمان آن رسیده است و بسیار دیر شده است - که از روش "سياه" یا "سفید" دست برداریم. نتایج ضد و نقیض انقلاب بهمن را تراز بندی کنیم و به این سؤال اساسی پاسخ بگوئیم که الفای سلطنت به‌مثابه یکی از مهم‌ترین نتایج انقلاب بهمن، خواست و حکم تاریخی و درست مردم ایران بود یا مطالبه ارتجاع مذهبی؟

طاهر اجزایدولگ‌های سلطنت، سایرین سقوط نظام پادشاهی در بهمن ۵۷ را تحقق خواست بحق مردم ایران میدانند، اما معلوم نیست چرا هنگام اتخاذ سیاست، راهی را پیش‌نهاد میکنند که سرشار از تردید نسبت به صحت این حکم تاریخی مردم است. نمی‌توان بر صحت این حکم باور قطع داشت و در همین حال هنگام یکبار با ارتجاع

غالب، برای همکاری با ارتجاع سرنگون شده خیز بر داشت. انقلاب بهمن برجسته‌ترین خیزش و تلاش مردم ایران برای هدم وابستگی به قدرتهای بزرگ بود. شعار "نه شرقی، نه غربی" بی‌مورد به شعار همگانی بدل نشد. جدای از محتوای ایدئولوژیک و اجنبی ستیزانه ای که روحانیت حاکم کوشید در این شعار بدمد، "نه شرقی، نه غربی" بیانگر و مشرفه چند تن تجربه ملت ایران در مقابله با قدرتهای خارجی است. قدرتهایی که از شمال و جنوب و هر سو برای به‌انقیاد کشیدن ایران کوشیدند و هنوز هم میکوشند.

امروز ارتجاع حاکم با به انحراف کشاندن پیکار مردم در راه هدم وابستگی، به منجلا ب "ایران گیت" سقوط میکند. اما بسیار پیشتر از فرصت طلبی و ثان به نرخ روز خوردن است وقتی اصلت چند صد پیکار مردم را به این بهانه منکر شویم و با کسانی که مظهر و سبیل وابستگی و دیروزی بودند ترد هشق با زیرم و فراموش کنیم که آنها که دیروز برای ادامه حکومت فاسدشان به خارج متکی بودند، امروز صدبار بیشتر به اربابان دیروز وابسته‌اند و به محض آنکه در جریان ارسال مواجب و فقه ایجاد شود، مجبورند دستگاه هریض و طولیشان را بر چینه‌اند.

گاه در توجیه ضرورت مشروعهت بخشیدن به سلطنت و همکاری با سلطنت طلبان، پایه‌اجتهایی آن مطرح میشود. غالب است که این کار عموماً بواسیله کسانی انجام میگردد که ما را بخاطر آنکه مجذوب و مقهور پایگاه اجتماعی گسترده خمینی شدیم، مورد شدیدترین انتقادات قرار میدهند. اگر این پایه اجتماعی سلطنت دارای ظرفیت دمکراتیک است به چه دلیل نباید نیروی بالقوه جمهوری تلقی گردد و چرا باید با مشروعهت بخشیدن به سلطنت به تداوم توهمنش کمک شود؟ ما پیش از آنکه به مشی فاجعه بار شکوفایی جمعی اسلامی روی آوریم، مقهور نفوذ اجتماعی گسترده خمینی شدیم و بر اساس درکی مبتنی بر توده زدگی همیانه به سیاستی روی آوردیم که عواقب مخرب آن نیاز به توضیح ندارد. چرایی‌باز این خطای بزرگ درسی بگیریم و در شرایطی که نتوذاجتهایی اندک سلطنت طلبان به هیچوجه با پایه توده‌ای عظیم خمینی قابل قیاس نیست، بار دیگر با همان منطق، به راه خطا برویم؟

برخی از کسانی که آگاهانه یا ناآگاهانه در جهت مشروعهت دادن به سلطنت گام بر میدارند، از نظر اتی نظیر "مذاکره برای افشاشگری" "شرکت در سمینار مشترک برای حضور فعال سیاسی" "کار بست فعال سیاسی" و "کار بست اصل دیالوگ بجای روش کهنه بایکوت در مناسبات با مخالفین سیاسی" سخن میگویند. تناقض ایده "مذاکره برای افشاشگری" بدانند کانی

روشن است. این نظر در برخورد خوش بیانه، بازتاب توانق موقت دودیدگاه مختلف و مخالف است با اندکی بدبینی میتوان آنرا تداوم روشهای کهنه در لباس نو دانست. مذاکره وسیله دستیابی به تفاهم است نه ابزار افشاشگری و اگر اینجا و آنجا به تضعیف موقعیت یکی از طرفین مذاکره در میان مردم منجر شود، هیچ نیروی سیاسی سالمی نمی‌تواند این راه‌هدف خویش قرار دهد و رابطه هدف وسیله را مخدوش ساخته، پس از چندی، هر طرف مفروضی را نسبت به هر نوع پیشنهاد مذاکره بدبین کند.

حضور هر چه فعالیت در صحنه سیاست هدفی است که هر نیروی سیاسی پی میگیرد. اما پیش از هر اقدامی در این زمینه باید به این سؤال جواب داد که حضور فعالیت به چه قیمتی؟ آیا میتوان به بهای نشست و برخاست با نمایندگان جریانی که مردم آنرا با انقلاب ساقط کرده‌اند، به این هدف رسید؟ این چه حضور فعال سیاسی است که از طریق هم نشینی با سرجانبان ساواک تامین میشود؟ چرا باید در شرایطی که نیروهای جمهوریخواه در کشور و نه بزرگی هستند و این امکان وجود دارد که احزاب سیاسی مدافع جمهوری و دمکراسی پارلمانی با درک و تفاهم

مقابل و از طریق همکاری و بسط مستمر آن، وسیع‌ترین حضور سیاسی را داشته باشند، به چنین وسایلی متوسل شد؟

در مورد دیالوگ و تفکر نوین سیاسی، جدای از مسئله تاسف بار "مد روز شدن"، ما بایک خلط‌مبحث آشکار روبرو هستیم. ما در موارد متعدد اعلام کرده ایم که مخالف توسل به زور در مناسبات خویش با سایر نیروهای سیاسی سهم از حاکم قهر حاکم، موافق یا مخالف - هستیم و تحت هیچ عنوانی در اعمال تهر پیشقدم نخواهیم شد. در همین حال مایک سازمان سیاسی هستیم که برای دستیابی به هدفهای معینی مبارزه می‌کنیم. این مبارزه، یک عمل اجتماعی است که تقویت و تضعیف نیروهای هیینی را مد نظر دارد و روش و مشی مبارزه ما مبتنی است بر کار آگاه گرانه در میان مردم و بر این اساس به عنوان مثال، ما مخالف پیشقدم شدن در اعمال قهر علیه سلطنت طلبان هستیم و از آزادی فعالیت سیاسی آنها دفاع می‌کنیم و اگر فردا مسئولیت اداره امور کشور را عهده دار شویم، حق فعالیت سیاسی همه جریانات سیاسی - مستقل از وضع آنها نسبت به ما - را قانوناً تضمین می‌کنیم و محققان می‌شناسیم تا به نسبت نیرویی که دارند از امکانات عمومی برای تبلیغ و ترویج نظرات خود استفاده کنند. در همین حال ما با سلطنت بطور جدی مخالفیم. هلیه‌آن مبارزه می‌کنیم و می‌کوشیم موقعیت آردار در میان مردم از طریق کار آگاه گرانه، بطور مداوم تضعیف کنیم تا جایی که دیگر هیچ شهر و ندایرانی، سلطنت طلب نباشد. این اندیشه و سیاست روشن، صریح و عاری از تناقض است. مخالفین این سیاست برای رد آن در بدو امر دیالوگ را یگانه وسیله تنظیم مناسبات نیروهای سیاسی اعلام میکنند و سپس با طرح این سؤال که "بایگفتگو یا اعمال خشونت؟" مخالفین مشروعهت بخشیدن به سلطنت را، مدافع روشهای عقب مانده جلوه میدهند، در حالی که در فاصله مابین "گفتگوی رودر رو" تا "اعمال قهر"، مواضع متنوع دیگری نیز وجود دارد. نگاهی به مناسبات احزاب در کشورهای که از سن دیرپای دمکراسی برخوردارند، بیانگر این واقعیت است که هدم مذاکره با فلان جریان و حزب سیاسی، تهمه معنی نقی دیالوگ به‌مثابه وسیله موثر تنظیم مناسبات نیروهای سیاسی با یکدیگر است و نه به مخوم توسل به قهر و خشونت.

اما جدا از اینگونه توجیحات و استدلالهای پوششی، ما بایک اندیشه منظم و تدوین شده در زمینه ائتلافها روبرو هستیم که بر پایه آن، مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از تشکیل مجلس موسسان شرو طلازم و کافی برای شرکت در جبهه تلقی میشود و همین دیدگاه استراتژیک است که برای راه‌گشایی، به تناسب اوضاع و احوال به این یا آن استدلال پوششی و توجیه متوسل میشود. این دیدگاهی است جدی و قابل بحث که هم امروز شماری از نیروهای ملی مدافع پیگیر آنند. بجاست که مدافعان این استراتژی در صفوف چپ نیز، با صراحت به بیان آن بپردازند تا بحث پیرامون آن در مجرای صحیح تداوم یابد.

بر پایه این نظر مسئله اصلی امروز، پایان دادن به رژیم جمهوری است. بقیه مسائل، به فردا تعلق دارند و مسائل فردا را، فردا حل خواهیم کرد. پس بگذار امروز با سلطنت طلبان که آنها نیز همین را میگویند متحد شویم. اما واقعیت این است که مسئله سلطنت طلبان، نه مسئله فردا که مسئله دیروز است. انقلاب بهمن به‌عمر سلطنت پایان داد و اگر کشور را به‌بلیه روحانیت دچار کرد، از جمله به این خاطر بود که در آن زمان که سلطنت مسئله امروز بود، نیروهای مترقی کشور با همین فرمول به سراغ آن رفتند و نخواهند باور کنند که خمینی و خمینیسم نه مسئله فردا که مسئله امروز است. چند نسل بعد را شاید بتوان کمتر شهادت کرد که چرا تجربه نیاکان را در نظر نگرفت، اما آیا نسلی که خود تمام این روزها را تجربه کرده، میتواند از شهادت فرزندان خویش رهایی یابد؟

# پذیرش وکیل مدافع

سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی تنظیم و تهیه شده است. قانون اساسی که از جمله اصل سی و هشتم آن نیز هر گونه شکنجه را ممنوع دانسته است ولی رژیم جمهوری اسلامی از زمان آغاز حیاتش تاکنون لاینقطع بی وقته آن را به خشن ترین و وحشی زیر پا گذاشته و هزاران هزار انسان بیگناه را در مراحل مختلف دادرسی، بازرسی و حتی در دادگاهها و پای چوبه اعدام به زیر شکنجه برده است. رژیم نه به این ماده از قانون اساسی تاکنون پای بندی نشان داده و نه به بسیاری از موارد دیگر قانون اساسی که او را در مقابل مردم و منافع آنها ملزم و متعهد می کند، پای بند بوده است. صرف وجود و تصویب یک قانون و یک طرح در رژیم ولایت فقیه هیچگونه ضمانتی برای اجرای آن را تاکنون موجب نشده است و در مورد این مصوبه هم صدق می کند.

در شرایطی که بسیاری از وکلای متعهد توسط رژیم تصفیه شده و کانون مستقل وکلای مدافع منحل و بر اثر اعمال تطبیق و تعقیب و بازداشت آنان تعدادی از وکلا مجبور به مهاجرت از کشور شده اند، حق هر گونه تشکل برای وکلای متهم کشور سلب شده است. ضمانت اجرای مصوبه فوق در صورت تصویب نهایی از اطمینان زیادی برخوردار نیست. علاوه بر این لایحه انتخاب وکیل در شرایطی از تصویب مجلس گذشت که انحصار تضایف در دست هدهای از حکام شرع که تخصص و سررشته ای در امر قضا ندارند و اتکاو استنادات آنها به قوانین منحصر شرع از قبیل حدود اسلامی، قصاص، سنگسار و امثالهم همچنان پابرجاست و شانه ای از تغییر در آن به چشم نمی خورد. هفتادم هم اینها از تصویب چنین قانونی باید استقبال کرد و رژیم و دستگاه های قضائی و انتظامی را واداشت به اجرای آن گردن نهند، باید هر نمونه و مورد خطئی را با پیگیری دنبال و اجرای آنرا مطالبه کرد. باید رژیم را واداشت از برگزاری دادگاه های مخفی، در پشت درهای بسته دست بردار و به تشکیل دادگاه های منلی گردن نهد. از هم اکنون باید همه افراد و خانواده هایی که بنحوی از انضامات از آنها در بلاتکلیفی قضائی بسر میبرند و یا تحت بازداشت هستند، اهم از متهمین سیاسی و یا غیر سیاسی برای بر خورداری از حقوق این مصوبه و یا استیفا حقوق پامال شده کسان خود دست بکار شوند. در همین حال باید از استفاده رژیم از مصوبه فوق جلوگیری و نگذاشت رژیم از آن برای چهره نمائی و نیز برای آرایش قانونی و تشکیل دادگاه های فرمایشی با حضور باصلاح وکیل مدافع که هیچگونه نشانی در دادگاه ندارند بهره برداری کند. رژیم شاه نیز برای قانونیت بخشیدن محاکمات فرمایشی خود علیه فعالین سیاسی از مترسک هایی بنام "وکیل مدافع" در دادگاه های نظامی مدد

اوایل ماه گذشته لایحه به پیش وکیل مدافع در مراحل مختلف رسیدگی از سوی ۸۴ نفر از اعضای مجلس برای تصویب تقدیم شد و مجلس با حضور اعضا شورای نگهبان به تصویب آن رای داد. بر اساس این مصوبه، از این بعد وکلای دادگستری اجازه خواهند داشت در مراحل مختلف رسیدگی به اتهام افراد، در موقع بازرسی، تحقیق و دادگاه و حضور یابند و در پاسخ به سؤال بازرسان، تحقیق کنندگان و اعضای دادگاه و تمهید دفاعیه به متهم مساعدت و از وی دفاع کنند.

تجدد فوریت لایحه تعیین وکیل که تصویب سریع آن را میسر ساخت، بیانگر آن است که رژیم از این اقدام، اساساً هدف سیاسی را دنبال می کند نمی توان آنرا در چارچوب طرحی به منظور اصلاح سیستم قضائی ارزیابی کرد.

در ماده واحده این طرح تصریح شده است که کلیه دادرسیها و دادگاهها هم از حقوقی و کیفری و دادگاه های انقلاب، دادگاه های ویژه نیروهای مسلح، دادگاه روحانیت و غیره وظیفه دارند در کلیه مراحل دادرسی و بازرسی و تحقیق حضور وکیل مدافع از جانب صاحبان دعوا را بپذیرند. در این ماده درباره ضمانت اجرای چنین وظیفه ای تأکید شده است. اگر قاضی دادگاه به وکیل مدافع امکان انجام وظیفه ندهد مورد مجازات قرار خواهد گرفت و ارتکاب به چنین عمل خلافی برای بار دوم، قاضی مزبور را از ادامه تضایف محروم خواهد ساخت. در طرح این مصوبه هر رای هر دادگاهی بدون حضور وکیل مدافع فاقد اعتبار قانونی است. مصوبه برای وکیل مدافع، امنیت شغلی قائل شده و گفته است که وکیل مدافع از نظر تأمین شغلی و احترام با دیگر دست اندرکاران امور قضائی موقعیت یکسانی خواهد داشت. روز یکشنبه ۲۳ دی سخنگوی مجلس شورای اسلامی اعلام داشت مصوبه فوق مورد ایراداتی از جانب شورای نگهبان قرار گرفته و به مجلس هودت داده شده و مجلس هم بدون تغییری در آن، مصوبه را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده است.

در کشاکش افشاکاری های سراسری و همه جانبه که گزارش سنتر اخیر گالیندویل نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به دنبال داشت و در آن بر انواع تضییقات و پامال شدن حقوق انسانی بویژه در باره زندانیان سیاسی و فقدان حضور وکیل مدافع در دادگاه های متهمین سیاسی و محرومیت آنها از حق مشاوره با وکیل و بهره مندی از دفاع وکلا تأکید شده بود، تصویب طرح فوق در مجلس قابل تمم است. بویژه اینکه جلسه آتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب قطعنامه ای در باره نقض حقوق بشر در ایران را در دستور دارد.

تصویب این قانون در مجلس شورای اسلامی را علیرقم اینکه مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفته از جمله باید حاصل تلاش و مبارزه ای دانست که در داخل و خارج کشور در واداشتن رژیم به قبول رعایت موازین رفتار انسانی با مخالفین و متهمین و برخورداری آنها از حق دفاع از خود در مقابل خودسریهای دستگاه های سرکوب و قضائی رژیم، انجام گرفته و می گیرد. آشکار است که این طرح که از تصویب مجلس گذشته بر اساس اصل

## سازمانهای موازی پدیده ناهنجار در بوروکراسی کشور

بازار اعمال فشار خود تبدیل نمودند. برای محاکمه سران رژیم سابق "دادگاه های انقلاب" بوجود آورنده که عمدتاً در دست آخوندها بودند، بعد از مدتی سپاه پاسداران شکل گرفت و گسترش پیدا کرد. در همین حال در همین دوره، چهار سازمان دنگی، هیئت های هفت دانست، کمیته امداد امام، بنیاد مسکن، نهضت سوادآموزی بوجود آمدند. روحانیت با قدم اعتمادی که بدستگاه های اداری داشت تدریجاً ارگانهای متعلق بخود را ساخت و آنها را به وسیله اعمال قدرت خود مبدل کرد. روحانیت سیستم اداری کشور را از آن خود نمی دانست. به علاوه جنگ قدرت در بالا جاری بود. زمانی بین بازرگان و کابینه و با روحانیت و سپس بین بنی صدر و روحانیت، این جنگ اجازه نمی داد که روحانیت بسادگی ارگانهای دولتی را از آن خود سازد. جنگ بر سر تسخیر این ارگان ها چند سال طول انجامید و سرانجام روحانیت بر ترقی خود پیروز آمد و یکایک ادارات را از چنگال آنها در آورد و به تصفیه وسیع عناصر "تغیر" و گماشتن عناصر "خودی" پرداخت و بتدریج سیستم اداری کشور را از آن خود کرد، ولی یکی فرزند تنی او، صاحب می آید دیگری فرزند ناتنی. سابق ترتیب دو سیستم اداری در کشور بوجود آمد. سیستم سابق و سیستم تازه دست پخت روحانیت، سیستم اول بر اداره کشور آشنا بود ولی تماماً از عناصر حزب الهی متشکل نبود و رژیم نمی توانست تماماً حزب الهی ها را در راس امور بگذارد. سیستم دوم از عناصر دست پرورده و مقلد رژیم بوجود آمده بود ولی کار آن بود و به امور هم آشنائی نداشت.

یکی از پدیده های ناهنجار در سیستم اداری کشور، وجود سازمانهای موازی است. بنوشته روزنامه های کشور هم اکنون پانزده سازمان موازی در کل نظام اداری و انتظامی کشور وجود دارد: ارتش و سپاه، شهربانی و ژاندارمری و کمیته ها، بنیاد مسکن و وزارت مسکن و شهرسازی، جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی، نهضت سوادآموزی و وزارت آموزش و پرورش، تأمین اجتماعی و بهزیستی و کمیته امداد امام. در جریان انقلاب بهمن قدرت سیاسی دست بدست گشت و روحانیت در مسند قدرت قرار گرفت ولی نظام بوروکراتیک قبلی در کل باقی ماند و تنها هده معدودی از ادارات سابق (مثل ساواک) منحل گردید. آخوندها بصحت اینکه به آئین کشور داری آشنا نبوده و سابقه کار اداره کشور را نداشتند، در ابتدا از اداره مستقیم کشور خودداری کردند. خمینی دولت را به بازرگان و یاران سپرد و بازرگان هم باتکیه بر بوروکراسی موجود به کشور داری پرداخت. در همین حال آخوندها نه اعتمادی به سیستم اداری کشور داشتند و نه به بازرگان و یاران او. قدرت اصلی آخوندها در سیستم نه در بوروکراسی کشور، بلکه در اعتماد مردم به آنها، در تطامرات ضیابانی مردم و در مساجد و تکایب بود. در جریان حرکت مردم برای خلع پیدار رژیم سلطنتی، کمیته ها شکل گرفتند که عمدتاً از بازاریان، حاشیه نشینان و همین ها تشکیل میشدند. آخوندها این کمیته ها را

می گرفت. این وکلای به اصطلاح مدافع که اغلب تسخیری بودند (یعنی رژیم شاه خود آنان را برای "دفاع" از متهمین تعیین می نمود). در برخی اوقات کاسه داغتر از آتش می شدند و با داستان و اعضای دادگاه بیشتر همراهی و صمدستی می کردند تا با وکلای خود.

با منطق مصوبه فوق همه بازجوها، بازرسان و تنظیم کنندگان پرونده های متهمین سیاسی، حکام شرع و اعضای دادگاه هایی که این متهمین توسط آنها زیر فشار قرار گرفته، شکنجه شده، به حبس های گوناگون محکوم شده و یا به جوخه اعدام سپرده شده اند، مستوجب مجازاتند. مجازاتی به شدت و میزان و مقدار خلاف کاریها و جنایاتی که تاکنون مرتکب شده اند و کمترین آن کوتاه کردن دست همه چنین دست اندار کارانی از ادامه و ارتکاب مکرر جنایاتشان است. با منطبق مصوبه فوق کلیه احکامی که تاکنون توسط دادگاه های انقلاب اسلامی سراسر کشور برای متهمین سیاسی صادر شده که در آن از حضور وکیل مدافع خبری نبوده است غیر قانونی است. لذا ضرورت اکید دارد که دادگاه های قضائی که هنوز در زندان هستند و اعدام نشده اند، تجدید شود و تنظیم پرونده جدیداً حضور وکیل مدافع در تمامی مراحل صورت گیرد، بهانه مقامات قضائی مبنی بر اینکه "قانون مصلحت به ماسبق نمی شود" بیجوشه پذیرفتنی نیست. منطبق آن ماده قانون اساسی که پشتوانه مصوبه اخیر مجلس است سابق و لاحق نمی شناسد این منطبق قانون اساسی از زمان تصویبش یعنی از سال ۱۳۵۸ می بایست مورد توجه قرار می گرفت تا این همه تبعیضات و نجات صورت واقع به خود نمی گرفت. آن جنایاتی که تاکنون صورت گرفته غیر قابل بخشایش و مستوجب مجازات است و آنچه که دیگر نباید بشود، تکرار آنست و آنچه باید بشود احاده حقوق پامال شده ضیل بی گناهی است که هنوز در زندان بسر میبرند. اجرای مصوبه فوق از طرفی پیگیری و تلاش نیروهای سیاسی و مردم و از طرفی دیگر "همادگی" رژیم را می طلبد. در صورت فراهم آمدن شرایط برای اجرای مصوبه فوق - بهر میزان که باشد - وکلای آزاد و متعهد کشور وظیفه انسانی مهمی در دفاع از متهمین و زندانیان سیاسی کشور و همه افراد دیگر به همه دارند. در بسیاری از رژیم های استبدادی جهان وکلای شرافتمند متعهد در چنین فرصت های مناسبی، نقش های تعیین کننده ای در پاسداری و دفاع از آزادی وجدان و بیداری همه داشته اند. تجربه کشور ما نیز در ماه های پایانی رژیم در کشاندن هر چه بیشتر جامعه در دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزان آزادیخواه مویزدهای فوق است. اکنون که تأیید نهائی مصوبه فوق به همه مجمع تشخیص مصلحت نظام گذاشته شده است، این خطر وجود دارد که مصوبه فوق بین مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان و مجلس شورا، دست بدست و سرگردان رها شود. بر همه همه افراد و خانواده های ذینفع، نیروهای سیاسی و همچنین همه مدافعین مصوبه در مجلس است که پیگیری کنند تا این مصوبه به چنین سر نوبتی دچار نشود و مصلحت مجمع تشخیص مصلحت نظام - که تاکنون مصالح نظام را بر مصالح مردم مقدم داشته است، بر آست که این بار در تأیید لایحه فوق مصلحت نظام را با مصالح مردم کند و نه بر عکس.

ارگانهای تنی تدریجاً جای خودشان را در اداره کشور باز کردند و با توجه به اعتماد سران رژیم به آنها، بوزنه سنگینی تبدیل شدند. زمانی که ارگانهای سابق توسط روحانیت تسخیر شد دیگر وجود ارگانهای موازی و متعدد سؤال برانگیز بود و دلیل قابل توجیه برای موجودیت آنها مشاهده نمی شد. ولی با شکل گیری این نهادها دیگر تکیه به این سادگی نبود. هر یک از نهادها منافع خودشان را در ادامه حیاتشان میدیدند و طرفداران پروپاقرصی هم در راس حاکمیت داشتند. بارها در مجلس مسئله اقدام ارگانهای موازی مطرح گردید ولی عملاً طرح های اقدام پیش نرفت و این ارگانها به حیات خود ادامه دادند. نهاد خردامه امسال لایحه اقدام نیروهای ژاندارمری، کمیته ها و شهربانی به تصویب مجلس شورا رسید که بر اساس آن وزارت کشور باید در مدت یکسال سازمان مسلح جدیدی بنام "سازمان پاسداران انتظامی جمهوری اسلامی ایران" را از ترکیب قوای فوق الذکر تشکیل دهد. پیامدهای سازمانهای موازی نخستین پیامد منفی سازمانهای موازی متورم شدن دستگاه اداری کشور است. با شکل گیری سازمانهای موازی، هده کارمندان در سال ۱۳۵۸ به یکباره ۵۲/۵ درصد افزایش پیدا کرد. هم اکنون بیش از ۳/۵ میلیون نفر کارمند در کشور وجود دارد. بخش اعظم بودجه کشور صرف هزینه های جاری دولت میشود که در صدماتی از آن به هزینه سیستم اداری کشور اختصاص دارد. وجود سازمانهای اداری علاوه بر اینکه بخشی از نیروهای انسانی کشور را از ریل مسیازد قسمتی از

# درباره کار پایه تشکیلاتی

طرح کار پایه تشکیلاتی توسط کمیسیون تدوین کننده کار پایه در کار شماره ۸۱ انتشار یافته است. بعنوان یکی از اعضای این کمیسیون لازمست نظرات و توضیحات خویش را حول برخی مبانی و موضوعات آن ارائه نمایم.

قبل از هر چیز لازمست است گفته شود که در تدوین طرح کار پایه تشکیلاتی سه هدف مورد توجه بوده است: اول اینکه سند تنظیمی پس از اصلاح و تأیید در تشکیلات، تا کنگره دوم مبنای مناسبات درون سازمانی ترار گیرد و سازمان در قاصه دو کنگره فاقد چارچوبه و ضوابط تشکیلاتی نباشد. عبارت دیگر هم اصلاح و تأیید نسبتاً سریع آن در سازمان و هم کاربرد آن مورد نظر بوده است. دوم اینکه، سندی تنظیم گردد که حد پیشرفت مباحث درون سازمانی در هرصه حزبیت و چگونگی و ساختار و مناسبات درون سازمانی را بازتاب دهد. عبارت دیگر این موضوع مدنظر قرار داشته که سندی که امکان بر تجارب و دیدگاه‌های نوین استوار باشد تا بتواند در راستای تحول سازمان بسوی یک تشکیلات نوین گامی بجلو باشد.

سوم اینکه، سند تا آنجا که امکان پذیر است ناظر بر واقعیت‌های نیروهای تشکیلات هملا موجود سازمان باشد و از بر خوردهای قالبی و یا ایده‌آلی اجتناب گردد. حاصل کار کمیسیون با توجه به راستاهای فوق الذکر سندی است که در اختیار رفقا قرار گرفته است. امید است که اعضا سازمان با توجه به راستاهای یاد شده، نظرات و پیشنهادات خود را حول این سند در اختیار کمیسیون قرار دهند.

قبل از اینکه توضیحات مربوط به مواد و بندهای کار پایه را آغاز نمایم، لازمست مقدماتی و دیدگاه خود را نسبت به مقوله حزبیت و ساختار و مناسبات درون حزبی (حزب سیاسی چپ مورد نظر است و نه حزب بطور عام) بیان دارم. چرا که هر کار پایه تشکیلاتی بر مبنای دیدگاه و تلقی خاصی از حزبیت استوار است و در واقع تجسم دیدگاه خاصی است و از این رو آشنایی با آن جهت توضیح کار پایه مفید می‌باشد.

اکنون نوع خاصی از حزبیت و ساختار و مکانیسم و اهداف آن که در اوایل قرن بیستم در روسیه بر مبنای اصول لنینی حزب طراز نوین<sup>۱</sup> در شرایط تضادهای حاد طبقاتی و بین‌المللی از یک طرف و عقب ماندگی فرهنگی و اقتصادی، بر مبنای ایدئولوژی معین و منظور کسب قدرت سیاسی توسط طبقه از طریق قهر و انقلاب پدید آمد و طی نزدیک به یک قرن بشکل کلیشه‌ای و دکماتیک مبنای ساز مانده‌ی حزبی در ده‌ها کشور با شرایط متفاوت اجتماعی و اقتصادی قرار گرفت، عقب ماندگی و نارسایی خود را کاملاً همیان ساخته و جریان زندگی آنرا کنار زده است.

امروزه در شرایط پیشرفت عظیم دنیای معاصر در هر صدهای فرهنگی، اقتصادی علمی و تکنولوژیک و پدید آمدن شرایط نوین جهانی و تحولات عظیم فکری و نظری در دیدگاه‌ها و برنامه‌نویس‌های سیاسی و گرایش‌های اجتماعی، ایجاد تغییرات و تحولات بنیادی در اهداف و مضمون و ساختار و مکانیسم‌های درون حزبی بر مبنای دستاوردهای نوین فکری ضرورت یافته است. بر این پایه لازم است تلاش گردد تعریف جدیدی از مقوله حزب و حزبیت ارائه شود که با واقعیت‌های موجود و تحولات انجام یافته منطبق گردد.

بنابه برداشت من که حاصل جمع بست شخصی مباحثات درون سازمانی در سال‌های اخیر است، حزب یا سازمان سیاسی شکل داوطلبانه افراد آگاه و مستقلاً است که آرمانها، ارزشها و اهداف سیاسی-اجتماعی مشترکی آنها را بهم پیوند داده و پذیرفته‌اند که در راستای تحقق آرمانها و اهداف مشترک به فعالیت و مبارزه هدفمند بپردازند. باین ترتیب سه رکن اصلی موجودیت حزب یا سازمان سیاسی عبارت است از:

- ۱- آرمان‌ها و اهداف سیاسی-اجتماعی معین و مشترک که در اسناد پایه‌ای مصوب حزب بازتاب می‌یابد.
- ۲- تشکل و سازمان یابی معین اعضا و ارگان‌ها که با توجه به شرایط مشخص، بر مبنای کار پایه تشکیلاتی معین و مورد توافق صورت می‌گیرد.
- ۳- فعالیت، هدفمند مجموعه اعضا ارگان‌های حزب برای تحقق اهداف و برنامه آن که بر مبنای تقسیم کار معین

و امکانات و شرایط معینی اعضا و ارگان‌های حزب صورت می‌پذیرد.

هدف کلی تشکیل حزب سیاسی عبارت از ایجاد تغییرات و اصلاحات مطلوب در همه شئون حیات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه است. در این صورت شرط لازم چنین تأثیرات و تغییراتی آنست که سه رکن یاد شده در پیوند با همدیگر محقق گردد. فقدان هر کدام از ارگان یاد شده، هدف کلی حزب را نقض یا دستیابی بآن را غیر ممکن می‌سازد. البته حدود میزان تأثیرات حزب سیاسی بر حیات اجتماعی با عوامل و پارامترهای دیگری هم مشروط و طمی گرد که موضوع بحث حاضر نمی‌باشد، برای توضیح بیشتر ارگان سه‌گانه فوق و بیان وجه تمایز آن با درک سنتی ما از مقوله حزبیت (تئوری حزب طراز نوین)، لازمست توضیحات تکمیلی ارائه شود:

۱- آنچه که پایه و اساس موجودیت و وحدت حزب است (حزب سیاسی چپ نوین) نه عامل ایدئولوژیک یا عامل طبقاتی بلکه آرمانها و اهداف سیاسی-اجتماعی معین می‌باشد. با این تلقی حزب تشکیل پیروان ایدئولوژی معین و یا پیشاهنگ طبقه‌ای اجتماعی خاصی نبوده بلکه تشکل طرز فکار آن آرمان‌ها و ارزشهای سیاسی-اجتماعی است. طرفداران هر ایدئولوژی و وابستگی به هر طبقه و قشر اجتماعی چنانچه آرمانها و اهداف سیاسی-اجتماعی حزب را قبول داشته و برای تحقق آنها داوطلب همکاری باشند، میتوانند عضویت آن در آیند. سمتگیری اجتماعی و طبقاتی حزب با آرمانها و اهداف سیاسی-اجتماعی آن مشروط گشته و تعریف می‌گردد.

منافع و خواستهای اقشار و طبقات اجتماعی تا آنجا که حمایت و دفاع حزب قرار می‌گیرد که با آرمانها و ارزشهای مورد پذیرش حزب همخوانی داشته باشد، و هر اندازه که منافع اقشار و طبقات معین در برنامه سیاسی-اجتماعی حزب بازتاب پیدا نماید، به همان اندازه حزب دارای سمتگیری اجتماعی و طبقاتی بسو اقشار معین میباشد. بطور مشخص در رابطه با سازمان ما، چنانچه آرمان و ارزشهای سوسیالیسم، آزادی، دموکراسی، عدالت، صلح، همبستگی، پیشرفت و رفاه و تجدید بعنوان ارزشهای پایه‌ای سازمان تثبیت و تصویب گشته و در برنامه سیاسی-اجتماعی معینی بازتاب نماید، میتوان گفت که سازمان ما بعنوان یک حزب سازمان چپ دموکراتیک دارای سمتگیری اجتماعی و طبقاتی بسود کارگران و فکری، زحمتکشان، روشنفکران و... میباشد.

در همین حال وجود آرمانها و اهداف مشترک در حزب، معادل یکسان اندیشی و نظم اندیشی اعضای حزب نبوده بلکه برعکس تنوع فکری و نظری، تنوع پلاتفرم، و استقلال فکر و اندیشه در حزب بعنوان ارزش لازمست مورد تأکید و تأکید قرار گیرد. آنچه که مورد نظر است بطور خلاصه عبارت از فعالیت مشترک در راستای نیل به آرمانها و اهداف سیاسی-اجتماعی مشترک، در همین تنوع و استقلال نظری، فکری و شخصی اعضا.

۲- حزب مجموع همدی اعضای پراکنده و بی ارتباط نمی‌باشد (هر چند که اعضا دارای آرمانها و اهداف مشترک بوده و هر چند که بطور انفرادی برای تحقق اهداف مشترک مبارز کنند).

حزب ارتباط و سازمان و تشکل خاص اعضا ارگانهای معین است که بر حسب شرایط مشخص سیاسی-اجتماعی و کم و کیف نیرو و اهدافی که حزب فراوی خویش قرار می‌دهد، اشکال بسیار متنوع و متغیر، بر مبنای مناسبات و مکانیسم‌های متعطف معین و مورد توافق، ساز مانده‌ی میگرد. اشکال مشخص ساز مانده‌ی، ارتباط و تقسیم، با توجه به نیازهای معینی و مشخص، با انعطاف کافی توسط واجدهای پایه و ارگانهای حزبی بر مبنای امکانات معینی و علاقه اعضا در توافق با خود آنها تعیین میگرد.

ساختارهای قالبی و کلیشه‌ای و مکانیسم‌های خشک و بدون انعطاف و تغییر ناپذیر، تحرک و خلاقیت اعضا ارگانها، اسلب و بوروکراتیسم را بر مناسبات درون حزبی مسلط می‌سازد. اما نفعی ساختارها و مکانیسم‌های کلیشه‌ای سنتی، بمعنی نغی هر گونه ارتباط سازمانیابی و حزبیت نیست. در این زمینه آنچه که باید دیدگاه سنتی مرز می‌کشد، نه در نغی سازماندهی و سازمانیابی بطور کلی، که در چگونگی سازماندهی و ارتباط در مضمون مناسبات فیمابین اعضا ارگانهای حزبی است. با توجه باین ضرورت‌هاست که در کار پایه حاضر مبنای سازماندهی انعطاف و تنوع اشکال ساز مانده‌ی و مبنای مناسبات درون سازمانی بر دموکراسی وسیع و استقلال فکری و شخصی عضو قرار داده شده است.

۳- علاوه بر آنچه که فوق‌الیه شده، حزب در همین حال وسیله و ابزار تحقق آرمانها و اهداف مشترک هم هست. به بیان دیگر حزب تجسم آرمانها و اهداف مشترک اعضا برای فعالیت و مبارزه دراز مدت در راستای یک رشته اهداف و ارزشهای مشترک است. بدون چنین اراده و چنین فعالیتی هدف کلی تغییر و تأثیر و اصلاح اجتماعی میسر نخواهد گردید و اهداف حزب روی هوایاتی خواهد ماند. ولی در گذشته از اعضای حزب به یکسان و ظایف خطیری طلب می‌گشت که انجام آنها همواره مستلزم فداکاری و حتی از جان گذشتگی اعضا بود. امتناع از دستورات حزبی و یا عدم اجرای وظایف محوله با انتقادات و تنبیهاست متعدد از جمله با اخراج مواجه می‌گشت، فعالیت مستقل فکری، سیاسی، هنری و علمی عضو حزب نغی یا محدود می‌شد، انضباط حزبی با فرمانبرداری و اطاعت یکسان گرفته می‌شد. این طرز تلقی از حزبیت و عضویت در حزب، عضو خود را بهترین حالت تا سطح رزمنده شجاع و فداکار اما گوش نبرمان و مطیع تنزل میداد. اکثر ناتیو این طرز تلقی فرامندی و سانسورالیستی البته نباید نغی هر گونه مسئولیت پذیری و نغی انجام وظایف حزبی باشد. چنانچه اعضای حزب وظایف حزبی اهم از درون تشکیلاتی یا برون حزبی را انجام نرسانند یا اینکه وظایف حزبی را وظیفه ارگانها و اعضای معدودی تلقی نمایند، اولاً همگردد و تأثیر حزب بر حیات اجتماعی ناچیز خواهد بود و ثانیاً حزب سیاسی با مضمون و هدف تغییر و اصلاح اجتماعی تا حد یک تشکل صنفی تنزل خواهد یافت. چنین طرز تلقی منطقی‌باین نتیجه‌گیری هم منجر خواهد شد که برای اعضای (فعال تشکیلاتی) حقوق و امتیازات ویژه و فوق العاده‌ی را طلب نماید، و نیز باعث میشود که (کادرهای تشکیلات چپ) خود را ذیقتر از اعضای دیگر حزب بدانند.

یک حزب جدی وظایف بسیار متنوع و گسترده‌ای را پیش روی دارد که هر عضو آن با توجه به امکانات و توانمندی واقعی خود میتواند و باید گوشه‌ای از این وظایف را بعهده گیرد و حزب را در پیشبرد اهداف آن یاری نماید. طبیعتاً هر حزب علاوه بر اعضای رسمی خود هواداران و طرفدارانی هم در جامعه دارد که علی‌الاصول تعهد مشخصی در رابطه با انجام وظایف حزبی نداشته و بطور کلی حزب را مورد حمایت یا تأیید قرار میدهند. نقش و وظیفه عضو در تبال آن با نقش هواداران و طرفداران حزب متفاوت است.

حالا با توجه به مقدمه فوق به توضیح مختصر پاره‌ای از مواد و بندهای کار پایه میپردازم:

۱- در سند آگاهانه از ارائه تعریفی برای سازمان اجتناب بعمل آمده، چرا که بحثهای مربوط به هویت سازمان و تعریف آن، همچنان در دستور مباحث کنگره دوم قرار داشته و در حال حاضر ارائه یک تعریف نسبتاً جامع از هویت سازمان که بتواند بطور نسبی مورد توافق نیروهای سازمان باشد، هنوز کار آسانی نیست. باین خاطر کمیسیون چنین همدی را پیش روی خود قرار نداده است.

۲- در تعریف عضو و شروط عضویت چند نکته قابل تعمق و بحث موجود است:

الف- بدلیل فقدان برنامه و اساسنامه‌ایکه در یک اجلاس صلاحیتدار و منتخب مورد تصویب قرار گرفته باشد، در کار پایه ترم "آرمان و ارزشهای پایه‌ای سازمان" ملاک پذیرش نظری-برنامه‌ای عضویت در سازمان قرار گرفته است.

ب- "آرمان و ارزشهای سوسیالیستی که در کنگره اول مورد تصویب قرار گرفته است نیز ارزشهایی همچون آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، صلح، همبستگی، پیشرفت و رفاه و تجدید که در مقدمه که پایه سیاسی قید شده‌اند، بعنوان "آرمان و ارزشهای پایه‌ای سازمان" در شرایط فقدان اسناد پایه‌ای مصوب، برای پذیرش عضویت کفایت نمی‌نماید. چنین تسامح با انعطافی تاریک شدن نیروی و تصویب اسناد پایه‌ای در کنگره دوم، هیچکدام از اعضا و تشکلهای موجود سازمان را از شمول عضویت در آن حذف نمی‌نماید.

ب- "ارتباط کاری" با یکی از ارگانها یا واحدهای سازمانی ملاک تکمیلی پذیرش عضویت در بند ۲ قرار گرفته است. بند ۳ در واقع بیان فشرده تعریف و شروط اصلی عضویت در سازمان است و شاید بهترین می‌بود که مقولات ذکر شده در این بند به تفکیک ذکر می‌شد. در تبصره این ماده موضوع رابطه با واحدهای سازمان، در داخل کشور تخفیف و به تعریف جداگانه‌ای موقوف شده است که بجای خود در مورد نیروهای داخل توضیح داده خواهد شد. در اینجا لازمست ترم "ارتباط کاری" توضیح بقیه در صفحه ۸

# درباره کار پایه تشکیلاتی

بقیه از صفحه ۷

داده شود. این ترم در مفهوم را با خود حمل می نماید: هم "رابطه" با یک واحد پایه یا ارگان سازمانی و هم پذیرش "کار" و وظیفه در این رابطه. همانطور که در مقدمه بحث گفته شد، در تلقی ما از حزبیت، حزب از جمله مهم به "سازمان" و ارتباطات و تشکیلات خود و هم با اراده مشترک اعضا و ارگانهایش برای تحقق و پیشبرد اهداف و آرمانهای مشترک تعریف می گردد. بنا بر این معنی که نه هیچگونه رابطه‌ای را با حزب می پذیرد و نه هیچگونه مسئولیت و انجام وظیفه‌ای را در قبال آن تصدق می نماید، نمی تواند عضو تلقی شود.

اما باید بلافاصله افزود که منظور از "رابطه" الزاماً شرکت در یک حوزه یا ارگان حزبی نیست. همینطور هم منظور از پذیرش وظیفه در قبال حزب، این نیست که عضو حزب، خود را کاملاً وقف و وظایف حزبی (بویژه وظایف تشکیلاتی) بنماید و یا مجبور باشد هر وظیفه حزبی را که بوی محور میگرداند انجام دهد. شکل ارتباطات با سازمان و کم و کیف وظایفی که به هر عضو محول میشود، باید با انعطاف کافی توسط ارگانها یا واحدهای پایه در توافق با خود عضو و با توجه به امکانات واقعی وی تعیین میگردد.

عضوی که در یک تشکل دموکراتیک و یا برای ایجاد یک تشکل دموکراتیک فعالیت می نماید، عضوی که در یک نشریه و هلثی و وظیفه روشنگری را پیش میبرد، عضوی که در خارج از کشور بصر طریق ممکن برای انشای جنایات رژیم و جلب حمایت افکار عمومی از مردم کشورهای تلاش می کند و یا به خانواده زندانیان سیاسی و شهدا کمک می رساند و بالاخره عضوی که در یک ارگان سازمانی

وظیفه تشکیلاتی معینی را می پذیرد، هر کدام بخشی از وظایف سازمانی را با انجام می رسانند. به همین ترتیب عضوی که با نشریه سازمان ارتباط مستمر کاری دارد، عضوی که با یک واحد پایه یا با یکی از اعضای ارگانهای حزبی رابطه مستمر داشته و واحد سازمانی در جریان فعالیت او قرار دارد، هر کدام به شکلی از اشکال با حزب در ارتباط می باشند. ارتباط با سازمان معنی شرکت منظم و مداوم در جلسات سازمانی نیست هر چند که شرکت در جلسات سازمانی هم شکلی (و البته شکل ارگانیک تر) رابطه با سازمان است. اصولاً جلسات سازمانی تنها بمنظور

ضرورت و نیاز معین و با دستور جلسه مشخص باید برگزار گردد و ضرورتی جهت برگزاری جلسات مداوم و متعدد و منظم حزبی، اتجم بدون هیچگونه ضرورت و دستور جلسه معین و بصورت فرمالیته وجود ندارد. چنین جلساتی تنها اثری و وقت اعضا را هدر خواهد داد. بنا بر این "ارتباط کاری" با سازمان با درک و تلقی فوق مورد نظر است نه با درک و تلقی گذشته

ج- در کار پایه پرداخت حق عضویت، یکی از شروط عضویت قرار داده شده است. این موضوع که پرداخت حق عضویت، جزو تعریف و شرط عضویت قرار می گیرد یا جزو وظایف عضو حزب، یکی از موضوعاتی است که در شورای مرکزی مورد بحث است. از نظر نگارنده سه سلاک اصلی پذیرش عضو عبارتند از: قبول برنامه و سیاستها (اسناد پایه ای)، قبول رابطه با حزب و انجام وظایف حزب. این سه پارامتر در ماده ۲ بطور فشرده گنجانده شده اند.

پرداخت حق عضویت یکی از وظایف حزب و یا جزئی از تعهدات عضو در قبال حزب است. باعضوی که حق عضویت خود را نمی پردازد همانگونه که برخورد می شود که وقتی دیگر وظایف را انجام نمی دهد. بر جسته کردن این وظیفه و قید آن بعنوان یکی از شروط عضویت اگر بخاطر اهمیت مسأله مالی در حزب بطور کلی و یا چنانچه بخاطر بحران حاد مالی در سازمان مادر شرایط فعلی باشد، قابل درک است ولی اگر غیر از این موارد بوده و "اصولیت" خاص دیگری برای این موضوع مد نظر باشد، قابل درک نیست. بعنوان مثال اگر عضو یا اعضا معینی، بدلائل اقتصادی قادر به پرداخت حق عضویت نباشند، یا پرداخت حق عضویت فشار مالی بر اقتصاد خانوادگی آنها باشد، ولی این اعضا امکانات مناسبی برای انجام دیگر وظایف سازمانی در اختیار داشته باشند، چه برخوردار و چه نه، بعنوان مثال بشود؟ آیا همچون گذشته بطور کلیشه ای بعد از سه یا شش ماه عضویت آنها لغو میشود؟ اگر امروز پاسخ ما به این سؤال منفی است، پس بر اساس کدام منطبق پرداخت حق عضویت بعنوان شرط اصلی بر جسته میگردد؟

از این جنبه که بگذریم لازمست در مورد پرداخت منظم حق عضویت بعنوان یک وظیفه و اهمیت این وظیفه صحبت گردد، چرا که امروزه در سازمان ما کم نیستند رفقای که اعتقاد به پرداخت حق عضویت نداشته و یا به دلائل دیگری (از جمله عدم ارائه گزارش مالی توسط رهبری پیشین سازمان) مدتجاست که حق عضویت خویش را نپرداخته اند. همانطور که در مبحث امور مالی در طرح کار پایه بیان شده منابع در آمد سازمان عبارتند از حق عضویت اعضا، کمک های مالی هواداران، فروش نشریات و طرح های مالی. در این بین منابع ثابت درآمد سازمان عبارت است از پرداخت حق عضویت ها و تاحدودی بهای نشریات میباشد. سازمان منابع مالی دیگری ندارد.

سازمان نه شرکت و یا موسسه انتفاعی و تجاری است که هزینه های خود را اساساً از این طریق تأمین نماید و نه از کشورهای دیگر کمک های مالی دریافت می کند. همین خاطر در ماده ۶۹ طرح منابع در آمد سازمان منحصر به چهار منبع یاد شده گردیده است. کسی که حق عضویت خود را پرداخت نمی نماید، اگر رویه خود را به کل سازمان و اعضا تعمیم دهد باید به این سوال پاسخ روشن بدهد که هزینه های سازمان چگونه باید تأمین گردد.

فکر دریافت کمک مالی از منابع خارجی کاملاً نادرست و مردود و فکر تأمین تمامی هزینه ها از محل طرح های مالی غیر معقول و غیر ممکن است. سازمان ما بمشابه یک سازمان نوین لازمست منابع و میزان را مشخص و هم اقسام هزینه های خود را نه تنها برای اعضا بلکه برای عموم هم مشخص روشن نماید. بدین خاطر لازمست بطور ادواری گزارشات مالی در نشریات سازمان انتشار یابد. ارائه منظم گزارش مالی به تشکیلات در ماده ۷ پیش بینی شده اما به نظر من کافی نیست و گزارشات مالی لازمست برای اطلاع همگان نشر یابد.

د- موضوع سلامت امنیتی و اخلاقی نیز از شروط و تدابیر پذیرش عضویت محسوب میگردد. شاید تعریف چارچوب مشخصی برای مقوله "اخلاق" کار ساده ای نباشد. اما آنچه که مسلم است اینکه این مقوله را باید در چارچوب فرهنگی معین تعریف نمود. در فرهنگ ایرانی از دیر باز تاکنون "نیکی"، "فضیلت"، "حسن اخلاق" از هنجارهای اجتماعی و مورد تأکید و قبول عموم بوده است.

در سازمان ما هم همواره بر سلامت اخلاقی اعضا تأکید ویژه بعمل آمده است. تجربه بسیاری از کشورهای نشان میدهد که مردم، حزب سیاسی را نه تنها با برنامه و شعارهای آن بلکه عمدتاً با عملکرد سیاسی و اجتماعی مجموعه حزب و بویژه با عملکرد و رفتار - اعضا و رهبران حزب قضاوت می نمایند.

در بسیاری از کشورهای ما مردم غالباً ذهنیت و تضوت خوبی نیست به حزب کمونست یا این و آن حزب دیگر ندارند. این تضوت منگی بخشا مربوط به عملکرد سیاسی یا دولتی این احزاب بوده و بخشاه مربوط به عملکرد منافی تک تک اعضای حزب بوده که مردم آنها را هم ما ندردی ناسد، رشوه خوار و سواستفاده چپ از ریایی میکردند. لذا برای

حزب یا سازمانی که میخواهد مروج روشنگری و دموکراسی و عدالت و سوسیالیسم باشد، علاوه بر ایده ها و آرمانهای درست و نو بویژه لازمست که اعضای آن در محیط کار و زندگی مورد اعتماد و اطمینان مردم بوده و به "حسن اخلاق" مشهور باشند. در اینجا البته تصدآن نیست که مقوله اخلاق ایده الیزه گردد و معیار "سلامت اخلاقی" تا حدی مطلق شود که تنها "نخبگان" و "نرشتگان" بتوانند بعضویت سازمان در آید.

اما اعضای سازمان دست کم باید از حد متعارف حسن اخلاق و سلامت اخلاقی مورد قبول که مردم آنها را می شناسند برخوردار باشند. با معنی تعبیرات که "انجام اعمالی که بر خلاف موازین و عرف مورد قبول جامعه باشد" موجب لغو عضویت در سازمان نمیشود. در مورد موضوع "منیت" و "سلامتی امنیتی" لازمست باز هم تعمق بیشتری بعمل آورد. در طرح کار پایه در سه ماده متفاوت به جنبه های مختلف این موضوع اشاره شده است: "سلامت امنیتی" شرط عضویت، "حفظ اطلاعات امنیتی" بعنوان یکی از وظایف عضو، "همکاری اطلاعاتی با رژیم جمهوری اسلامی و یا دولتهای خارجی" و "نفوذ در سازمانها و احزاب" بعنوان عوامل لغو عضویت در سازمان طرح

گشته اند. به جوانب گوناگون این موضوع اشاره میشود: ضرباتی که دولتها و قدرتهای حاکم از کانال نفوذ بر احزاب مترقی و مبارز و از ادخواه وارد ساخته اند روشن میباشد. هدف نفوذ در برخی موارد عبارت از شناسایی ارتباطات و امکانات و نیروها بمنظور وارد آوردن ضربه آنها، بی اعتبار ساختن حزب از طریق اعمالی که عوامل

نفوذی بنام حزب انجام می دهند و... در موارد دیگر هدف نفوذ عبارت است از کسب اخبار و اطلاعات از درون حزب و یا کاشتن عوامل نفوذی در مسئولیت های حساس برای منافع خاص در آینده. در رابطه با سازمان ما بطور مشخص هم رژیم اسلامی و هم دولتهای "فرضی" و "شرعی" تاکنون تلاشهایی برای نفوذ بعمل آورده اند. این تلاش های نفوذی البته تاکنون توسط اعضای شرافتمند سازمان ما قاطعانه طرد و نفی گشته و این رفقا حاضر نشده اند شرافت و حیثیت سیاسی و انسانی خویش را پایمال نمایند. اما نباید گمان برد که همواره همه اعضای یک حزب یا سازمان سیاسی قادر می شوند شخصیت و حیثیت سیاسی و انسانی خویش را حفظ نموده و تسلیم مطامع و یا تهدیدها و فشارها نشوند. بدین لحاظ است که در شرایط و وضعیت کنونی نیروها در داخل و خارج، بویژه باید نسبت به مسائل امنیتی و مسأله نفوذ پیش از هر وقت دیگر هشدار بود. این هشدار هم توسط تک تک اعضای سازمان، هم توسط ارگانهای تشکیلاتی و هم توسط معرفین اعضای جدید لازمست صورت پذیرد.

"همکاری اطلاعاتی با دولتهای خارجی" که جنبه نفوذی قضیه را مد نظر دارد، در عین حال باید موضوع همکاری و مبادله اطلاعات با دولتها بطور کلی اعم از دوست یا دشمن را شامل گردد. به اعتقاد من یک حزب یا سازمان سیاسی مجاز نیست با هیچ دولتی صرف نظر از ماهیت آن بمنظور همکاری اطلاعاتی رابطه برقرار نماید. هر عضوی در هر سطح که چنین رابطه ای داشته باشد، باید به عضویت وی خاتمه داده شود.

جنبه دیگر مسئله، نفوذ در احزاب و سازمانهای دیگر است. یکی از انحرافات برخی احزاب و سازمانهای سیاسی ایران موضوع نفوذ در سازمانهای دیگر بوده است. این امر نادرست موجب تخریب روابط و بی اعتمادی نیروها بهم شده است. سازمان ما باید نسبت به این انحراف موضوع صریح روشن داشته باشد. بدین منظور در طرح کار پایه "نفوذ در احزاب و سازمانها" موجب لغو عضویت منگردد.

## سازمانهای موازی

در آمدهای کشور را نیز بهدر می دهد و موجب زیان اقتصادی میشود. در حالیکه دولت همه ساله مقدار زیادی کسر بودجه دارد و برای تأمین آن از سیستم بانکی کشور قرض می گیرد که این امر موجب افزایش تورم می شود. وجود سازمانهای موازی بجهت جدا بودن وظایف موجب تضاد، تکرار و کنشی گردود در مواردی نیز کارها روی زمین می ماند و صاحب پیدا نمی کنند و ارگانی اثر نگردن دیگری می اندازد. این سازمانها گاه در انجام یک کار خاصی با هم برخورد و تقابل پیدا کرده و گاهی هم برنامه ها و طرح هایشان مشابه و یکنواخت میشود. سه سازمان موازی کمیته امام، سازمان بهزیستی و سازمان تأمین اجتماعی که هدف همه شان را مقابله با فقر، محرومیت و گسترش رفاه در جامعه اعلام کرده اند به شکل یکسکان فعالیتشان را پیش می برد.

با نبود تکنولوژی ضرور و وسائل ارتباطی و تجربه کافی در امر هماهنگی، بین سازمان های موازی هماهنگی در امور صورت نمی گیرد و این سازمانها در موارد زیادی برای یکدیگر مشکل می آفرینند و یا کار شکنی می کنند. در وجود سازمانهای متعددی و وظایف یکسان، مسئولیت همالوت شده و معلوم نمی شود. وظایف هر یک از ارگانها چیست و مسئولیت بر دوش کدام ارگان قرار دارد. مهندس آخوندی سرپرست بنیاد مسکن در این مورد می گوید: "می بیندکاری به دلیل اینکه چندین دستگاه در مورد انجام دادن آن مسئولیت دارند به نحو مقتضی انجام نمی شود مشکلات عملکردی به شدت مشاهده میشود بنابراین هر کدام از دستگاهها مسئولیت را به گردن دیگری می اندازد و بهر صورت کار مردم پیش نمی رود." (کجهان ۸ آبان ۱۳۶۹) کارشناسان برنامه و بودجه هم می گویند ما در تخصیص بودجه مشکل داریم. کار آنها را نمی توانیم شناختن قرار دهیم. یک کار را چند ارگان انجام می دهد. ابتدا همه مسئول هستند ولی وقتی به آخر میرسد و کار خوب در نمی آید هر کسی تقصیر را به گردن دیگری می اندازد و هیچکس حاضر نیست مسئولیت بپذیرد.

بیمار سازمانهای موازی صرف هزینه های مالی زاید، بکار گیری امکانات و نیروی انسانی اضافی برای انجام کارهای یکسان، عدم تمرکز مدیریت و مسئولیت، تضاد در کارها، متورم شدن دستگاه بوروکراسی کشور است. باین وجود، بعد از گذشت ۱۲ سال از عمر این سیستم، هنوز دورنمایی از حل این پدیده تاکنون در دستگاه اداری کشور مشاهده نمی شود.



# جنبش فدائیان خلق در بیست سالگی

بهزاد کریمی

۱۹ بهمن را یاد بداریم از اینرو که دفتر تاریخ جنبش فدائی خلق همچنان گشوده است و آثار گرامی بدائیم هم از آنجست که سرنوشت این جنبش جزئی از سرنوشت مردم مادر مبارزه بخاطر سعادت و بهزیستی است، ما از تجلیات رهجویی مردم ایران برای نیکروزی بوده ایم و همچنان همپوی بهروزی مردم خویشیم.

جنبشی که در تاریخ مردم ایران به نام سهاکل نگاشته شده، ۱۹ بهمن ماه امسال بیست سال تمام را پشت سر میبرد. جنبشی که با شور حماسه آغاز شد و در پایمردیها روئید و در اندک زمان به هزاران رسید و انبوهی شد. با بدای گزیده زمان فرو نینتاد و از توانهای مهیب حوادث سالم جست. در این بیست سال، صد ها و صد ها نافر بهترین فرزندان میهن بنام آن سر باخته اند، هزاران نفر از مبارزان خوشبختی خلق با نام آن به زندان رفته اند و شکنجه دیده اند و انبوهی از زنان و مردان خلقهای ایران بخاطر تعلق به این جنبش به دوری از وطن و دیگر تعقیبات جانکاه تن داده اند. جنبش فدائیان خلق، یعنی جنبش زجر و نوح، اسارت و مرگ، دربدری و آوارگی، و جنبش سرخشی و پایداری، اقدام و عمل، تجربه و پیشرفت، جنبشی که با خروش در قلب جنگل با طراوت سهاکل، بیدرتک بر قلب شماری بزرگ از تجدیدیه های میهن طراوت نشانند، از دل بسیاری کسان گردید و با خود، بسی پاهای لنگ تر دیدار اشفا داد و توده ای از شبنمه جانها را وارد کار و مقاومت و مبارزه مردمی کرد. خیرش که در مدت زمانی کوتاه، امید بزرگی برای نهضت استقلال، آزادی و عدالت در ایران شد و چنان خاری بر چشم فرمانروایان و پرستندگان ستم اختناق فرو نشست.

ما بار آمدگان و به سهم خود بار آوران این درخت بیست ساله ریشه در خاک ایران، اینک در پی بیست سوز سرما و گرمای سوزان، دیگری بار به خود بر میگردیم، در خویشتن خویش مینگریم و از خود میپرسیم:

تاریخ ما را چگونه زانید و چرا زاید چه کرده ایم و که هستیم؟ تا کام ماندگانیم ما، یا که کامیاب در دل ناگامیها؟ فرو افتاده از موجهای شکست یا پخته از زونما و آماده تجربه ای دیگر؟

گذر بیست سالگی، شکست، هنگامه ای است ما را، ناخست از هر سو برای به زانو نکتدن مابر خاک کشیدن این درخت باد و باران خورده بسیاری از برون و حاشیه و درون، بر تلخکامی های مادر ایران و شکستهای بزرگ ما و مانده های مادر جهان انگشت نهاده اند تا این سخن برون رانده از حجره های کونته گون را در درون جان ما نشاء دهند که گویی همه چیز به پایان رسیده است و حتی نه اکنون، که بیشتر به اتمام آمده بود، شاید هم در همان زاد روز نخست این گمان که همه ره به بطالت طی شده و میباید بر هر چه از پندار و گفتار و کردار بیست ساله مهر بطلان بگویم و هر هیزم از نقطه صفر در پیش بگیریم! گوئیم، بیموده تولد یافتیم یا که تا توان کج رفتن و لچ کردن اینک به ناگزیر در فرجام باید که به بیمودگی و فتناد به وادی سرگشتگی تن بدهیم!

در آغاز بیست سالگی که برای که جنبش مسئول مطلقا کفایت پختگی است، بایستی پیش از همه به این پرسشهای گرمی پرداخت. پاسخ به آنها، سنگرش راه بر تلاش ما به سوی فرادست، نه بگونه پهلوان پتیه ای که در هر سالگرد به رجز خوانی بر میخیزد، نه بسان پهلوانی که "میخواند سر و دهنه فتح قدیمی را" و نه آن کنار رفته که جز تفسیر و "یاد بر سر مرز" چیزی برای مواجه با زندگی در چشمت نمی یابد. پذیرش و بیان شکستها برای قلبه بر شکستها، به خود آمدن، در خود رفتن از خود در آمدن! بیست سالگی را با نگاهی از این دست در خود، به سخن بنشینیم.

جنبش فدایی خلق، در ۱۹ بهمن ماه سال ۱۳۴۹، پرچی را بر افراشتند که در آن آرمانهای استقلال ایران، آزادی و عدالت برای خلق نقش بسته بود. فدایی خلق در این بیست سال، در هر آنچه که گفته و کرده است، در هر راه که گام گذاشته و به هر راهی که گشاینده شده است، منشعب شده و یا به دست خویش، خود را تقسیم نموده است، باز همچنان در میثاق خود برای هدایت خلق و در تعهد به آزادیهای نیک برای مردم با مندم مانده است. فدائیان خلق در مسیر راه پیچ در پیچ خود، پیوسته کوشیده اند تا به آرمانهای نخستین خود فنا بخشند و مغمو می وسیع دهند، به آنان بیفزایند و آثار در دسترس کنند، و در سعه صدر و با وسعت نظری به اهداف خویش بنگردند. فدایی خلق برای خوشبختی خلق بیا خاسته و مهاره خلق را خوشبخت خواسته است. راز اصالت و بقای جنبش فدایی خلق در همین است.

به بیست سال پیش برگردیم و شرایط آن روزین را در نظر آریم و یکبار دیگر به انتخاب بر خیزیم! چه خواهیم کرد؟ پاسخ این پرسش از سوی هر کسی، دقیقاً و قبل از همه متأثر از آن دیدگاه اجتماعی و سیاسی است که امروز بر آن ایستاده است. پاسخ کسی که در اندیشه با گذشت سلطنت است، در اساس همان خواهد بود که دیروز با گلوله و تازیانه در برابر تاریخ قرار گرفت. پاسخ ملیت پرستان نیز در بنیاد همانست که در آن روز به قضاوت جنبش ما نشستند! ایرانی و استقلال خواه هستند، اما در بیگانه چه هستند؟! پاسخ آنان که امروز به مستند خلافت تکیه زده اند، همان بیزاری نیمه پوشیده و تخاصم نجان دیروزی می باشد که اکنون در خصوصت میان و نفرت هر ایران رخ نموده است، و سرانجام، در میان آنهایی که خود را متعلق به جبهه عدالتخواهی میدانستند و یا میدانند، آنانی می توانند از این جنبش فدایی از دل تاریخ مردم ایران را "اشتباه" بدانند که یا خروش نسل جدید جنبش چپ را بدرستی قیام علیه سترون بودن خود یافتند یا آنکه بر اثر آوار سنگین شکست، امید به عدالت به بغای راهی طولانی و پر رنج را از دست داده اند.

جنبش فدایی خلق، جنبش جدید چپ با سیمای روشن ایرانی بود که ایرانی را آزاد و رها از ستم و ایران را آباد و برای مردم ایران میخواست. جنبش ما اکنون در پی بیست سال گزینشهای درست و خطا، باز خود را با همان اهداف مردمی معرفی میکند و درست به خاطر همین هدف هم است که به تحول بنیادین برای نوسازی خودروزی آورده. اگر به بیست سال پیش بازگردیم بطور قطع در استراتژی و تاکتیک در اشکال مبارزه و طرح شعارهای معین و نحوه برخورد با این و آن حتی چگونگی سخن گفتن با مردم و مواجهه با دشمن مردم تجدید نظرهای درستی خواهیم کرد، اما نه در آرزوهای انسانی که برای خلق خود خواستیم، اگر کسی جز این می اندیشد، آنگاه باید بگوید که در آن شرایط کدامین انتخاب می توانست صحیح باشد! احترام از هر نوع انتخاب و در

نتیجه بر کنار از تاریخ ماندن و یا انتخابهایی که ججات اصلی سیاسی - اجتماعی کشور برگزیده بودند؟ به مثابه جنبش و اقدام اجتماعی سیاسی، راه دیگری وجود نداشت. شکستهای ما هرگز نمیتواند شکست جنبش آزادی و ترقی و عدالت باشد. برعکس هر ناگامی، ریشه در ناپیگیری و یا هدول از راه درست برای تحقق اهداف این جنبش دارد. همه واقیعت جهان و واقیعت خود ایران، گواه این حکم است.

جهان در راه آزادی و دموکراسی پیش آمده و انسانیت به مرحله عالمتاری فرا رفته است. خواست زندگی بهتر و سعادت بیشتر، فراگیرتر و عمومی تر شده است. در دنیای امروز، عدالت و مهار ستم اجتماعی بسی بیشتر از دیروز است. نیروی صلح، آزادی، دموکراسی، رشد، عدالت، انسانی ساختن محیط زیست بشر و هقلایی کردن مناسبات بین ملتها، نیروی قزاینده در جهان است. هر آنچه هم که امروز نشانه ای از دموکراسی است، خصلت سوسیالیستی دارد و خردمندانه انسانی می باشد، فقط و فقط نتیجه مبارزه طولانی نیروهای اخیر در سطح جهان علیه نیروهای ارتجاع، متجاوز به حقوق دیگران و زور ستم و در یک کلمه نیروهای شر است. سلاطین سرمایه و زور هرگز نخواستند و نمی خواهند از یک تازی و قدر قدرتی آنان کاسته شود. هم از این رو، محرکه اصلی تاریخ را امروز نیز همچنان در نیروی خیر و نقد راههای طی شده در جنبش دموکراسی و عدالت و رهجویی نوین برای هموار کردن راه سعادت گسترده و پایدار بشری باید رقم زد. شانس تداوم حیات اقلیتی که سود خود را به زیان اکثریت به دست می آورند، همانا به میزان انطباق معقول آنها با سطح رشد آگاهی بشریت و به دیگر سخن حد عقب نشینی های ناگزیر آنان، مشروط میشود. آنها به عبت میکوشند تا از شکستهای ناگزیر جهانیان اراده گزایانه بشر به سوی عدالت بیشتر، جاودانگی استثمار و ستم را به ملتها القا کنند. انطباق و عقب نشینی های تدریجی سرنوشت این نیروست و در یک نگاه تاریخی، نهایت چنین انطباق دمی ها و عقب نشینی ها، نمیتواند چنین دیگری جز تحلیل رفتن نیروی شر در مسیل مطالبه همگانی و نیروی بشریت برای دموکراسی و عدالت باشد.

در میهن ما ایران نیز همین رقم گرفتار آمدن آن در پنجه خواین یک رژیم مستبد و ارتجاعی، روند و به گسترش، همانا رشد آگاهی و شعور خلق است. گر چه اکنون بر آسمان میهن ما، تراکم ابرهای تیره سنگینی دارد و قحطرا و انحطاط در خونریزی و جباریت حکم میراند، اما در جبهه مردم اندیشه برای آینده، مدام زرقای بیشتری می یابد. باز تاب اندیشه ورزی مردم را در نیروی روشنگری و تشکر باید دید که در درون و بیرون ایران، در پیراکنندگی و تشکر و در انفراد تجمع و در میان نخل گوناگون اندیشگی، به نحوی چشمگیر و امید بخش در آنچه که بر کشور گذشت و در آنچه که رخ داده و میدهد، شور میوزند و تعمق میجویند. اینجا که خود در شکل گیری خدادادها بگونه ای سهمیم بوده اند، اکنون برخورداری از تجارب فراوان بر آنند که آینده را چگونه باید بنا کرد و نه فقط اینکه نیروی مانع را چگونه باید بر کنار ساخت.

آنان که در میان واقیعات پرنج کشور نمی خواهند در یابند که مردم امروز بسی آگاه تر از دیروز هستند و بیش از هر زمان به دموکراسی و عدالت و نیز به چگونگی تأمین و دوام آن می اندیشند و چنین مدعی اند که گویا امروز وضع از هر نظر نسبت به دیروز بدتر است، بی تردید باید امید از دست داده هابند و یا سوداگران سیاسی، سوداگرانی که خواهان واگشت کمنه بجای گمنگی چیره بر امروز کشور هستند. تردید نباید کرد که آگاهی مردم ما، امروز بسی وسیع تر و زرفتر از آستانه ۷۷ است.

مردمی که تجربه نیاندوزند و یا خود تجربه نکنند، نمی توانند و شایسته آن نیستند که به پیشواز وضع بهتر بروند. میتوان به زور سستی و هشیارانه از مردم ما انتظار کرد که در گذشته نزدیک شعور ملی خود را به اندازه کافی با حافظه تاریخی صیقل نداده اند اما نمیتوان با این حکم موافقت کرد که مردم ایران فاقد حافظه تاریخی هستند. مردم ما همان اندازه کشورشان را پیش آورده اند که خود توانسته اند به پیش روند. مردم مادر همین یک قرن گذشته تجارب ریز و درشتی را از سر گذرانده اند که بهمن ۷۷ بزرگترین آنها بوده است. مردم با کامیابی بساط سلطنت دیکتاتور را برچیدند ولی با سر کار آوردن رژیم فقاقت خود را با ناگامی دیگری روبرو گردند و اکنون نیز مجدانه به تقداین اعوجاج برخاسته اند. در دل این پیروزی و ناگامی مرتبط باید آمادگی برای کامیابی دیگر را دید.

زایش و رویش ما نیز جز زرافت قدرتی از تجربه خلق است.

# سوسیالیسم در عصر ما

حزب کمونیستهای چپ سوئد ۴۴ در بیست و نهمین کنگره اش، ضمن تشریح نام خویش به "حزب چپ سوئد" تزهائی در باره فعالیت حزب و بحثهای آینده راجع به برنامه حزب، با عنوان "سوسیالیسم در عصر ما" به تصویب رساند که اینک از نظر خوانندگان گرامی میگذرد.

۱- حزب چپ برای یک جامعه بدون طبقه و بدون شکاف میان اقشار مرفه حاکم و اقشار تحت ستم، جامعه ای هاری از ستم بر علیه زنان و دور از نژادپرستی، جامعه ای که در آن انسانها در صلح و هماهنگی با طبیعت زندگی کنند فعالیت می کند.

۲- حزب چپ در جنبش سوسیالیستی کارگری که بر پایه تئوریهای مارکسیستی و سازماندهی طبقه کارگر توسعه می یابد ریشه دارد. بر اساس این نظریات ما برای از میان برداشتن اختلافات طبقاتی و برای دستیابی بدگرگوئیهای بنیادی اجتماعی، به سود تمام مردم فعالیت میکنیم، این عمل فعال انسانها و خواست آنهاست که آینده را میسازد.

۳- حزب چپ خواهان آن است که تمام سوسیالیستها، کمونیستها و دیگران را که مایل به دستیابی اهداف

جنبش فداانیان خلق در بیست سالگی بقیه از صدمه ۹ ما، خود از تجارب مردم ایرانیم و هم با خود، تجربه مردم را حمل میکنیم، ما بازتاب پیشرفتها و شکستهای تاریخی و مشخص مردم هستیم و هم از اینرو تظاهر کامیابی در ناگامی ها و نیز از مظاهر امید و اقدام مردم میباشیم، پایبندی ما به سعادت خلق و فردایی بهتر برای آن، بیش از همه در رجوع صریح و شجاعانه ما به ناکامیهای خویش و دیگران و کل خلق است. از این نظر، ما اگر از هر کس دیگر در پایبندی به نیکو روی برای خلق، جدی تر باشیم، مسلما جدیت کمتری نداریم، عمل به همنیت، هلنی کردن هر آنچه که گفته ایم - کرده ایم و هر آنچه که هستیم و میخواهیم باشیم، بیانگر تحول پذیری ما و وفاداری ما به آرمانهای سعادتباری است که بدانها در پیوند با ترمیم خویشیم، ما آماده برای تجربه ای دیگر هستیم اما از پیش نه به خود و نه هیچکس دیگر وعده خطا نپذیری نمی دهیم، ما قطعاً می توانیم و موظف هستیم که همه اشتباهات ریز درشت خود را هیان کنیم و تحلیل نماییم، نخستین شرط اعتماد مردم به یک نیروی سیاسی در همین است، خلق خود اشتباه هم میکند و از این رو کسی که واقعا خود را متعلق به خلق و سعادتخواه خلق بداند، مسلماً اشتباهات خود را هم در مقوله اشتباهات خلق رده بندی میکند و از این نمی هراسد که حقیقت را کامل بگوید، تماشای هر برای پیشروی میباید از: تا مل در اقدامات پیشین، جسارت در حرکت و تعقل در آنچه که انجام میگیرد، شرط دیگری در کار نیست.

اجتماع بزرگ سازمان ما با نام نخستین کنگره که در آستانه ورود به سومین دهه حیات فدائیان خلق برگزار شده، اعتماد کامل در شکستها و هزم برای پیشرفت و بیانگر مدام رونداصلی زندگی فدائیان - روند تحول - بود، ما که با تحول زاده شده ایم و در تحول ره پیموده ایم، در کنگره خود تصمیم گرفتیم که سدهای تحول را قطع تراز سر راه برداریم و بنیادی تر ره به تحول بگشاییم، کنگره ما بر آن شد که همان شرط و شرایط پیش گفته را پیش روی ما قرار دهد.

آری! نه همه گذشته ما صحیح بوده و نه خطاهایمان اندک بوده اند، اما ما، پدیدایی، دوام و وجودیت خود را نشانه اصلت خواست مردم ایران برای پیشرفت و آزادی و عدالت میدانیم، ما هیچ چیز را تغییر نپذیر نمیدانیم جز آرزوی جهان بهتر برای انسان، آرمانی که بر تارک جنبش ما نقش بسته است، ما هم اینک نیز که سخن میگوئیم و عمل میکنیم، آلوده به خطاها و انحرافاتیم هستیم که بر بخشی از آنها ناگامیم و بخشی دیگر را می شناسیم و این دومی، یا که میراث را به نصتان کز روی و کژ اندیشی های پیشین است و یا که انتقایی نشسته به جان رونده ما که طبیعتی هر

مذکورند سازماندهی کند. ۴- ما برای تعمیق امر دموکراسی و گسترش آن در تمام ابعاد جامعه فعالیت میکنیم، ما از دموکراسی پارلمانتاریستی، خودگردانی گونها و از آزادیها و حقوق دموکراتیک پشتیبانی می کنیم. از جامعه مبتنی بر قانون باید حمایت کرد و آنرا گسترش داد، سیستم سیاسی موجود به تکمیل و تجهیز فرمهای مختلف نفوذ مردم در هر محل نیاز دارد.

۵- سوئد جامعه ای است طبقاتی که در آن سرمایه بزرگ قدرت تعیین کننده است، این قدرت باید شکسته شود، وسائل تولید محم باید در تصاحب همگان باشد و مشترک اداره شود، نوهی از مالکیت مختلط یعنی هم مالکیت اجتماعی و هم مالکیت تعاونی و هم مالکیت خصوصی مورد پذیرش است.

سوسیالیسم هر دو نوع رهبری مرکزی و واحدهای خودگردان در امور اجتماعی و بازارهای با نقشه با توجه به مسائل اکولوژیکی را شامل میشود. ۶- سها در جامعه ای زندگی می کنیم که در آن مردان نقش اصلی را بازی می کنند، در این جامعه زنان بعنوان موجوداتی درجه دوم محسوب میشوند و تحت استثمار قرار دارند، این چهره مردنهای جامعه باید از بین برده شود.

۷- سوسیالیسم سرخ ما سبز نیز هست، مشکلات توسعه کور و اجباری سرمایه داری دامن گیر انسانها، جانداران و طبیعت است، اقتصاد بوروکراتیک دولتی در شرق نیز بحرانیست اکولوژیکی تولید کرده است، سیاست حفظ محیطزیست ما تنها به کنترل شدید فاضلاب و جلوگیری از مسموم سازی محیط زیست محدود نیست، تمام روش تولید و مصرف ما باید دگرگون شود، توجه به محیط زیست می باید در تمام افکار و اعمال سیاسی ما نفوذ کند.

۸- سوسیالیسم ما فقط در مورد آینده نمی باشد، این سوسیالیسم در مورد مسائل روز و مسائل اکنون نیز عمل میکند، این سیاست در جهت عدالت و همبستگی در سیاست تقسیم عادلانه مایحتاج زندگی، دموکراسی در محیط کار، خودگردانی محلی و احترام و رفاهت گام بر میدارد.

حرکتی است و غیر طبیعی، فقط متکیین و سکوت در برابر آنها بر نفاستن به ز دانش آنها. و اینک در پی بیست سال حیات پر تلاطم، با احترام و یاد شیفته ترین هایمان که از دست رفتند و با باور به روشنایی ای که در دوران ظلمت نمای کنونی رو به فردا روز می گشاید، بگذار با این بیست باور اساسی که میتوان چکیده این بیست سال تلقی کرد، با در سومین دهه حیات خود بگذاریم:

\* در بطن ستیز پرورده شدیم، در مبارزه بلوغ یافتیم، وزین پس نیز در مبارزه زندگی خواهیم کرد، هیچ چیز خود خود سامان نمی گیرد، هر تحولی نیازمند مبارزه مبارزان است!

\* با تشکل آهین شوع کردیم، و در جریان تحزب به نتایج زیادی دست یافتیم، و اینک، بر اصل ضرورت تشکل می ایستیم و قطعاً تشکل پر پایه دمکراتیسم را می پذیریم!

\* خواستار استقرار سوسیالیسم بوده ایم و اینک با تعمق در تجارب خود و دگران، سوسیالیزه شدن جامعه و انبساط عدالت در جامعه را الهام بنیادین خود میدانیم!

\* با تعلق به جبهه ترقی آغاز بدیم و اینک استوار تر از هر زمان خواهان ترقی هستیم، پیش شرطی خدشه هر حد از رفاه و عدالت، مسلم هر ترقی است!

\* آزادی سیاسی را می خواستیم، و اکنون در پی درکی متحول از این نیاز اساسی، آزادی سیاسی را ضرور هم برای امروز و هم برای همیشه، هم بعنوان راه و هم بعنوان هدف اعلام میداریم!

\* به دمکراسی پیگیر شدیم و نغی هرگونه دیکتاتوری را برگزیدیم، دمکراسی هدف ماست و برقراری استحکام آن استراتژی و تاکتیک ما!

\* مطالب حق زیستن آزاد بشر و بجزیستی انسان بوده ایم و در پی راه پرفراز و فرود، اکنون مدافع پرشور اجرائی منشور حقوق بشر - این دستاورد بزرگ بشریت - هستیم و پیگیرانه طر فداانی بیشتر آئیم!

\* هر گام که در راه آمیختگی ما مردم و آرزوهای واقعی مردم برداشتم هر چه که جهانی تر اندیشیدیم، در دفاع از صلح بایرجا شدیم، و اینک با صدایی رسا باز میگوئیم: صلح برای مردم ایران، صلح برای همه جهان!

\* ما ایرانیان خواه بوده ایم و میهن پرست، و ما ایرانیان را رها از هرگونه وابستگی اسارتبار و هر نوع تنقید مغایر مصالح مردم ایران میخواهیم!

\* ما از جهان مشترک به ایران خود می نگریم، ما ایرانیان، همبسته با جهانیتم و جهان را خردمندانه و انسانی می خواهیم!

\* نه حقیقت را در انحصار کسی میدانیم و نه میخواهیم

۹- سرمایه داری امروز نقش غالب را در نظم اقتصاد جهانی بازی می کند، این به مفهوم گسترش تکنیک و تولید بیش از اندازه اجناس در بخشهای معینی از جهان و عدم توسعه، گرسنگی و عقب ماندگی در دیگر بخشها است، ناعادلانه در حال افزایش است به همین خاطر همبستگی با مردم جهان سوم از هر زمان دیگری بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد.

امروز سرمایه تابدان حد بین المللی شده است که امر پیروزی سوسیالیسم در یک کشور بسیار مشکل گشته است، درخواستهای اکولوژیکی و اجتماعی با جوابهای سختی از طرف سرمایه چند ملیتی روبرو میشود و حکومتهای ملی در مواردی که بطور جداگانه عمل میکنند مجبور به عقب نشینی می باشند، ارگانهای فوق دولتی از قبیل بازار مشترک، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی نیروی سرمایه بین المللی را تقویت میکنند، روشهای جدیدی در همکاریهای بین المللی باید خلق شود.

۱۰- زمان ما حکماکان نیاز به استقرار یک سوسیالیسم دموکراتیک دارد، سوسیالیسم واقعا موجود در اروپای شرقی منجر به دیکتاتوری حزبی و کنترل مرکزی اقتصاد شده، این سوسیالیسم از هم پاشیده شد.

سوسیال دموکراتهای اروپای غربی خود را با سرمایه داری منطبق کرده اند، تمام جنبش کارگری در برابر یک دگرگونی قرار گرفته است، ما سوسیالیسم نیاز به نوسازی دارد.

۱۱- ما در شرایط تاریخی کاملا جدید و رادیکال قرار داریم، دیوارها فرو ریخته می شود و شبخ ها شکسته میشوند، ما شرایط نوینی را می بینیم، یک جنبش رادیکال کارگری، یک جنبش محیط زیست توانا و یک جنبش آگاه حمایت از حقوق زنان مشترکا می توانند سیر پیشرفت را در کشور ما تغییر دهند و همراه با جنبش های مبارز مردمی در دیگر کشورها امید به جهانی بهتر، جهانی هاری از اشتناک و استثمار را افزایش دهد.

ترهای اساسی انتخاب شده در بیست و نهمین کنگره در تاریخ ۲۶-۲۳ ماه مه ۱۹۹۰، جایگزین برنامه پذیرفته شده حزب در کنگره ۲۸ حزب کمونیست چپ سوئد در ۱۹۸۷ می گردد.

مترجم: فر هنگ - سوئد

از نقش خود در روند وقفه ناپذیر حقیقت جویی فقلت یوزیم، حقیقت، مشترک است و ما در جرگه این اشتراک!

\* آموختیم که از اراده گرایی بی هیزیم، و اینک، نه اراده گرایی و هم احترام از پراگماتیسم! میخواهیم نیروی اجرای تحولات امکان پذیر باشیم اما سمت دار و هدفمند!

\* وقتی که زاده شدیم، اخلاق و سیاست در مایگانه بود، ولی در ادامه راه، پیدایی فاصله هایی بین ایندو، و اکنون بر آیم که: آشتی اخلاق و سیاست! هدف نباید وسیله را توجیه کند، اهداف انسانی باشو به های انسانی!

\* دانش و خرد را کم به دادیم و از این رهگذر کم آسیب ندیدیم، و حال بر آیم که عقل و علم، مشعل فروزان و دایمی راه ما باشد، دروازه ورود به سومین دهه حیات را با این شعار آذین می بندیم: بیان دوزیم دانش را، بیان دوزیم و بیان دوزیم!

\* میخواهیم مبارز تجدید طلب و مخالف هر گونه کمنگی در هر جامعه و با هر نام باشیم، گسست از بند هر نوع تحجر، نو جویی و نو آوری!

\* ما که با سلاح نقد راه انقادیم و هر زمان از انتقاد نفس تازه کردیم، ره توشه تداوم راه را نقد مداوم اندیشه و اقدام خود، انتقاد بی امان از حکومت و نیروهای جمل و بیداد، و نقد پیگیر کژی ها و کاستی های خلق قرار میدهم!

\* ما خود را بازوی پیشامنگ خلق تعریف کردیم و آنگاه به موضع اندیشه حکومت بر مردم بنام مردم، در قلمطیدیم، ولی اینک بر اصل مرعیت مردم می ایستیم و بر آیم که نخواهیم و نذاریم این اصل مخدوش شود!

\* ما که از نتایج قهر حاکم وقت در چهره قهر مردمی بودیم، اکنون بر این باوریم که بخواهیم و بکشیم هر تحول ضرور سیاسی در کشور از طریق مسالمت انجام پذیرد، ما نیروی مسالمت هستیم!

\* با همه قوا برای تامین جنبه بزرگ جمهورییت، جمهوری منتخب مردم و متکی بر مردم ایران، ایران آزاد، و آزادی تعیین سرنوشت برای همه خلقهای ساکن میهن!

\* و رسالت خطیر امروزین فدائی خلق: با همه ابتکار و مسئولیت برای اعمار جنبش نوین چپ از طریق وحدت چپ متحول و واقفانوجو! چپ زاده شدیم، ما را چپ شناخته اند، و چپ هم میمانیم!

\* بگذار با امید به تحقق، پایداری و فتنا تحول این باورهای بیستمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق را به پیشوا برویم! به پیش برویم!

۱۳۶۹ دیماه ۱۳۶۹



# دورکشور

## مجلس به وزیر

### بعداشت و درمان

#### رای عدم اعتماد داد

ماه گذشته جناح تندرو در تلافی ضربات کاری که در جریان انتخابات مجلس خبرگان از ائتلاف خامنه‌ای - رفسنجانی خورده بود، دکتر ایرج فاضل وزیر بهداشت و درمان دولت رفسنجانی را به استیضاح کشید. ۱۹ تن از نمایندگان مجلس طرح استیضاحی را امضا کردند که در آن گفته شده بود دکتر فاضل به مسائل درمانی اقبال محروم و کم درآمد بی توجه است، بر عملکرد موسسات درمانی کشور کنترل ندارد، به امر بهداشت در مناطق "آسیب پذیر" کشور از جمله مناطق جنگ زده و زلزله زده توجه کافی نمی‌کند، از حل مشکلات دارویی کشور ناتوان و تصمیمات خلاف قانون و سیاست‌های تعیین شده اتخاذ می‌کند و بخشنامه‌های خلاف قانون صادر می‌کند و نیروهای حزب الهی را که در مسئولیت‌های مختلف وزارتخانه و موسسات تابعه آن "سابق درخشان" داشته‌اند کنار گذاشته و افرادی تجربه را جایگزین آنها کرده و در نتیجه زمینه مساعد برای رشد افراد غیر انقلابی و بی تفاوت فراهم می‌سازد.

با مطرح شدن استیضاح ۱۹ تن از نمایندگان، رفسنجانی با دکتر فاضل و معاونین او ملاقات کرد و رضایت خود را از سیاست‌ها و برنامه‌های او اعلام کرد. در این ملاقات که شرح آن از سوی دختر رفسنجانی به مطبوعات کشور داده شد، رفسنجانی اظهار امیدواری کرده بود که اختلافات سیاسی مابقی در راه این حرکت‌های اساسی که در جهت اصلاح کلی امور بهداشت و درمان است، نشود.

حاجت و رفسنجانی از دکتر فاضل، طرفداران او در مجلس کشیدند که جلو استیضاح را بگیرند ولی موفق نشدند. فاضل مدت عریضت در مجلس شورا به دفاع از برنامه‌ها و سیاست‌های وزارت بهداشت و درمان پرداخت و همه اتهامات را رد نمود. ولی معترضین استدلال‌های او را قبول نکردند و کار به رای گیری کشید. در جریان رای گیری ۱۱۴ نفر به او رای اعتماد دادند و ۱۹ نفر رای محتج دادند. فاضل به اختلاف یک رای نتوانست نظر اعتماد مجلس را جلب کند و باین ترتیب از وزارت بهداشت و درمان برکنار گردید و رفسنجانی طی حکمی رضامند زاده را به سرپرستی این وزارتخانه گماشت و از فاضل بخاطر تلاشها و خدماتش سپاسگزاری کرد. دکتر فاضل یکی از وزرای مورد اعتماد رفسنجانی بود. رفسنجانی گفت که در پست‌های دیگر از او استفاده خواهد کرد. فاضل پزشک جراح شخصی خمینی بود. کربوبی از اینکه مجلس شورا به دکتر فاضل رای اعتماد نداد، ابراز تاسف کرد.

در طی حکومت جمهوری اسلامی اولین بار بود که نمایندگان مجلس شورا وزیری را مورد استیضاح قرار داده و باو رای عدم اعتماد میدهند. در گذشته طرفداران رسالت چندین باروزاری

کابینه میرحسین موسوی بویژه بهزاد نبوی را استیضاح کرده بودند ولی اکثریت نمایندگان بعد از استیضاح به آنها رای اعتماد دادند. رای عدم اعتماد به دکتر فاضل به نوبه عدم اعتماد مجلس شورا بدولت رفسنجانی بود. جناح تند رو با برکناری فاضل به یک پیروزی در کشمکش درون حاکمیت دست یافتند.

### مجمع تشخیص مصلحت

#### نظام بسود مجلس رای داد

مجمع تشخیص صلاحیت نظام بدون توجه به مخالفت شورای نگهبان، اجزای متمم بودجه سال ۶۹ را همانگونه که مجلس شورا تصویب کرده بود، بدولت ابلاغ نمود.

در شماره قبلی نشریه کار اشاره کردیم که در جریان ارائه متمم بودجه سال ۱۳۶۹ توسط دولت رفسنجانی، نمایندگان مجلس شورا از بودجه سال ۶۹ سازمان صدا و سیما یک میلیارد تومان کسر کردند و آنرا برای ترمیم حقوق کارمندان پیمانی اختصاص دادند. سازمان صدا و سیما این مصوبه را شدیداً مورد حمله قرار داد و شورای نگهبان نیز با آن بخش از متمم بودجه که کسر بودجه سازمان صدا و سیما را شامل میشد، مخالفت کرد و آنرا مطابق با قانون اساسی اعلام نمود. ولی حکم مخالفت شورای نگهبان دوروز دیرتر از موعد مقرر به مجلس شورا اعلام شد و هیئت رئیسه مجلس شورا مخالفت شورای نگهبان را بطلت سپری شدن موعد مقرر وارد ندانست و بدولت اجزای متمم بودجه را اعلام نمود. شورای نگهبان اطلاعیه‌ای صادر کرد و ادعا نمود که حکم مخالفت خود را در مدت زمان مقرر ۱۰ روزه به مجلس اعلام کرده است. شورای نگهبان اعلام کرد که مصوبه مجلس خلاف شرع است. بدنبال آن کربوبی به شورای نگهبان حمله کرد و از عملکرد مجلس دفاع نمود و از خامنه‌ای خواست که در این مورد دخالت کند.

خامنه‌ای برای پایان دادن باین مخاصمه، مصوبه مجلس شورا را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع نمود. این مجمع که در حیات خمینی بدستور وی برای رفع اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان تشکیل شده است، برای دو مین بار به قضاوت بین آنها نشست و در اطلاعیه خود بدون اینکه صراحتاً اعلام کند که بسود مجلس شورای داده است، اجزای متمم را بدولت اعلام نمود متن ابلاغیه بدین صورت بود: با توجه به ضرورت اجرای فوری متمم بودجه، و نیز بدون اظهار نظر در مورد مجلس شورای اسلامی یا شورای نگهبان متمم بودجه بدون تاخیر برای اجرا ابلاغ میشود. این اطلاعیه در حقیقت اجزای مصوبه مجلس شورا است. در این کشمکش جناح تندرو متج شوری نگهبان را خواباند، سرپرست صدا و سیما را گوشمالی کرد و برای جلب نظر کارمندان قرارداد داد و پیمانی، حقوق آنها را افزایش داد.

### دستمزج حقوق بگیران

#### افزایش یاقبت

گسترش نارضایتی در بین مردم بخاطر افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مردم موجب شده است که دولت رفسنجانی بدست و پا افتاد و برای جلوگیری از حدت یافتن نارضایتی‌ها، به یک سری اقدامات دست بزند. پس از

افزایش حقوق کارمندان، شورای عالی کار در جلسه خود با شرکت نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان تشکیل شده بود با افزایش ماهانه بیست هزار ریال به دستمزج حقوق بگیران مشمول تأمین اجتماعی از اول فروردین ماه سال آینده موافقت کرد. بگفته قائم مقام وزارت کار اجرای مفاد این مصوبه در صورتی که موجب افزایش دستمزج ماهانه حقوق بگیران از حد نصاب مربوطه کمک پرداخت هزینه مسکن و خوار و بار شود باعث قطع کمک ما نخواهد شد.

افزایش دوهزار تومان به حقوق کارگران با توجه به رشد سرسام آور قیمت کالاها و خدمات نخواهد توانست قدرت خرید آنها را بطور موثر بالا ببرد. بعلاوه کارگرانی که مشمول متمم اجتماعی نیستند از دریافت حقوق محروم شده‌اند. در حالیکه این دسته از کارگران از محروم ترین اقشار جامعه بحساب می‌آیند.

### مناسبات جمهوری اسلامی

#### با دولت اردن از سر گرفته شد

جمهوری اسلامی و دولت اردن در اواخر دیماه مناسبات خود را از سر گرفتند. مناسبات بین دو کشور دهسال پیش بعلت حمایت اردن از دولت عراق در جنگ علیه ایران قطع شده بود. برقراری این مناسبات با نارضایتی و عکس العمل تندروها مواجه شده است. روزنامه کیهان این تصمیم را مورد انتقاد قرار داد. و ابراز نگرانی کرد که برقراری روابط با اردن، تجدید مناسبات با مصر و عربستان سعودی را بدنبال خواهد داشت و ممکن است ضربه سنگین بر "چهره انقلاب اسلامی" وارد سازد.

وزارت امور خارجه در مقابل این اعتراضات اعلام داشت که بدرخواست گروه‌های اسلامی و مردمی اردن مناسبات جمهوری اسلامی را با اردن از سر گرفته است. سازمان انفرادی اخوان المسلمین در ماه‌های اخیر در اردن تقویت شده است. در ماه گذشته پنج تن از اعضای این سازمان وارد کابینه دولت اردن شدند. موقعیت ملک حسین نسبت به سابق تضعیف شده است. دولت رفسنجانی علیرغم انتقاد تندروها هم چنان مناسبات قطع شده بین ایران و کشورهای دیگر را تجدید میکند.

### مجلس کلیات بودجه

#### سال ۱۳۷۰ را تصویب کرد

کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ در روزهای ۲۵ و ۲۶ دیماه در مجلس شورا مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پس از صحبت‌های نمایندگان موافق و مخالف به تصویب رسید.

رفسنجانی در افرماه بودجه سال ۱۳۷۰ را به مجلس تقدیم کرد و سخنرانی مبسوطی پیرامون خصوصیات و میزان بوجه ایراد نمود. بعد از آن کمیسیون بودجه مجلس لایحه را مورد بررسی قرار داد و اصلاحاتی را در آن وارد نمود. مبلغ پیشنهادی کمیسیون ۶ درصد از آنچه توسط دولت ارائه شده بود بیشتر است. در بودجه جدید نسبت به سال ۶۹ بر میزان در آمد مالیاتی ۵۰ درصد و بر میزان هزینه‌ها ۵۷ درصد افزوده شده و کسری بودجه به رقم ۲۱/۸ درصد رسیده است. دولت رفسنجانی اعلام داشته است که در آمد سال آینده دولت را بر اساس هر بشکه

نفت ۱۸/۴ دلار محاسبه و در آمد حاصل از فروش نفت را بیست میلیارد دلار بر آورد کرده است.

میزان کل بودجه کشور که توسط رفسنجانی به مجلس ارائه شد ۷۰۸۸ میلیارد ریال بر آورد شده است که نسبت بسال ۱۳۶۹، حدود ۵۴/۶ درصد افزایش نشان می‌دهد.

در این بودجه هزینه‌های نظامی و ارگانهای سرکوب رژیم مبلغ کلانی را تشکیل میدهند و از افزایش بالغ بر ۴۰ درصد نسبت بسال ۱۳۶۹ بر خوردار است. هزینه‌ای جاری دولت حدود ۳۱/۱ درصد نسبت به پیش بینی مالیات حقوق به ۲/۲ برابر خواهد رسید مالیات حقوق به ۲/۲ برابر خواهد رسید. مالیات حقوق به ۲/۲ برابر خواهد رسید.

### رژیم عراق دوهزار اسیر

#### ایرانی را آزاد نمی‌کند

ایران اواخر ماه قبل ۱۶۰ تن دیگر از اسیران عراقی را آزاد کرد. در اوائل ماه نیز ۲۰۰ تن از اسیران عراقی را آزاد کرده بود. این هده پس از آزادی به کشورشان بازگشتند. ولی هنوز دوهزار اسیر ایرانی در زندانها و بازداشتگاه‌های رژیم عراق بسر می‌برند. دولت ایران اسناد و مدارکی دال بر زنده بودن این هده به رژیم عراق تسلیم کرده است و از دولت عراق خواسته است که این هده بایران هودت داده شوند. رژیم عراق تاکنون بدرخواست ایران پاسخ نداده است. مسافرت مکرر مقامات ایران و مذاکره با سران رژیم عراق پیرامون آزادسازی اسیران ایرانی موثر نیافتاده است. اسیران عراق تاکنون هیچ دلیل قانع کننده‌ای برای عدم آزادسازی اسیران ایرانی اعلام نکرده و همچنان با تکیه بر زور آنها را در زندان نگاه داشته است. خانواده‌های این اسیران شفت نگران وضع آنها هستند و نیمی دادند که صدام حسین چه بلائی بر سر اسیران آنها خواهد آورد.

### علیرغم حکم شورای نگهبان،

#### بودجه ارزی به مجلس ارائه گردید

موقع ارائه متمم بودجه سال ۶۹ کشور به مجلس اختلاف دیگری نیز بین شورای نگهبان و مجلس پیش آمد. شورای نگهبان در ذیل نامه مربوطه به متمم بودجه ۶۹ نوشت: "ولی چون بودجه ارزی موجب تسلط بیگانگان میشود و بودجه باید ریالی باشد لازم است از درج بودجه ارزی در بودجه سالانه کشور در آینده خودداری گردد." بر اساس این حکم، رفسنجانی بودجه ارزی را به مجلس ارائه نداد. نمایندگان از این حکم خشمگین شدند. انصاری نماینده مردم زنجان گفت: "نظریه استدلال فوق به قدری شگفت آور و غیر قابل قبول بود که بسیاری از نمایندگان و آشنایان به مبنای حقوقی و کارشناسان بودجه و امور مالی با حیرت از خود پرسیدند که آیا واقعا این سخن شورای نگهبان است؟ آیا شورای نگهبان پس از ۱۰ سال از عمر قانونگذاری مجلس به کدامین کشف جدید در قانون اساسی دست یافته که اینگونه اظهار نظر فرموده است. هر کسی که کمترین اطلاعی از مسائل اقتصادی و پولی داشته باشد میداند که بررسی بودجه ریالی بدون بررسی بودجه ارزی در حقیقت بازی کردن با اعداد است و در عمل نتیجه‌ای بر آن مترتب

بغیه در صمحه ۱۳

### سلاحهای شیمیایی و بیولوژیک

#### فواقبتی هولناک

بقیه از صفحه آخر

اشترن: یک ژنرال فرانسوی گفته است بخش اعظم سلاحهای شیمیایی صدام حسین نابود شده است ...

هنریکس: نه، فقط کارخانههایی که گاز در آن تولید می شود مود حمله قرار گرفته اند، اما این کار باید شش سال پیش که این تولید در مقیاس وسیع آغاز شد، انجام میگرفت. بعبا و خمپاره های حاوی گاز سمی مدتهاست که پر شده است و در انبارهای زیرزمینی نگهداری می شود.

اشترن: اما تا بحال با موشک های اسکاد سلاح های شیمیایی به کار نرفته است.

هنریکس: در این مورد دشواری های فنی مدهدای وجود ندارد. فرقی ندارد که این موشک ها را به یک کلاهک معمولی مجهز کنند یا کلاهکی حاوی گاز، شاید موافقی در رابطه با چاشنی این کلاهک ها وجود داشته باشد.

اشترن: آیا شما معتقدید صدام از گاز استفاده خواهد کرد؟

هنریکس: به گمان من باید آماده وقایع هولناکی باشیم، اگر صدام بیشتر مقاومت کند و جنگ زمینی آغاز شود، او با توپخانه همه زرادخانه گاز سمی خود را شلیک خواهد کرد.

اشترن: چه سم هایی؟

هنریکس: اولیله ایرانی ها و کردها همواره از چندین گاز به طور همزمان استفاده می کرد. مخلوط کردن این گازها آنها را با هم خطرناک تر و مداوی تر باینان را تقریبا غیر ممکن می کند.

اشترن: آیا ماسک های گاز و لباس های مخصوص سربازان را حفظ نمی کند؟

هنریکس: در تئوری بله، اما وقتی جنگ طولانی شود و از ماه مارس در آن منطقه دما به بیش از ۳۰ درجه برسد، پس از نیم ساعت در چنین لباسی توان انسان به پایان می رسد. دستکش ها و کفش ها را از آب می شود، افراد ماسک های خود را بر میدارند زیرا دیگر تاب تحمل ندارند. بعد سه چهار بار نفس می کشند، و دیگر کار از کار گذشته است. صدام حسین تولید اسید سیانیک را بسیار گسترش داده است و از ۱۹۸۵ این گاز را با گازهای دیگر مخلوط می کند. اسید سیانیک در سه الی چهار دقیقه نیلتر ماسک گاز را از بین می برد.

اشترن: این مخلوطها تا چه حد کشنده اند؟

هنریکس: تا قبل از افزودن اسید سیانیک به گازهای سمی حدود ۲۱ درصد ترابیان این گازها می مردند. پس از مخلوط کردن این گازها با اسید سیانیک این رقم به ۶۰ درصد می رسد. و گاز خردلی که امروز تولید می شود، بسیار خالص است. این نشان می دهد که عراق در تولید این گازها پیشرفته های فنی بزرگی کرده است.

اشترن: ابعاد زرادخانه عراق چقدر است؟

هنریکس: صدام آنقدر گاز دارد که سراسر خاور میانه را مسموم کند.

اشترن: اما به سربازان و اکسن زده اند و آنها پادزهر هم همراه خود دارند

هنریکس: پادزهرهای ناتو کافی نیست. باید آنها را در قفلت بیشتری توزیع کرد. آمپول های دو میلی گرمی آتروپین فایده ای ندارد. من کشته های ایران در جنگ را دیده ام. بعضی از آنها در حالی مرده بودند که سرگ ها هنوز در ران آنها بود.

اشترن: آیا عراق سلاح های بیولوژیک هم دارد؟

هنریکس: بله، و از آنها استفاده هم کرده است. عراق در سال ۱۹۸۸ علیه کردها از میکروب های تیفوس، وبا احتمالا مالاریا استفاده کرد. او سموم تاریخی بسیار موثری در اختیار دارد که روس ها به او داده اند، و نیز میکروب های آنتراکس. آمریکایی ها خود را علیه این سموم واکسینه می کنند، اما اگر صدام به این فکر بیفتد که کویت را به این میکروب ها آلوده کند، این کشور تا دهها سال غیر قابل سکونت خواهد بود. میکروب های آنتراکس را نمی توان خنثی کرد. اگر این میکروب ها به ریه برسد، مرگ حتمی است.

اشترن: کارشناسان می گویند کاربرد سلاح های بیولوژیک برای عراق بیش از حد دشوار و عواقبش غیر قابل پیش بینی است.

هنریکس: این نادرست است. این سلاح ها را از سلاح های شیمیایی هم آسان تر می توان ساخت. ما درباره کارخانه های آن در عراق اطلاعاتی داریم. در ضمن آلمان هم در ساختن این کارخانه ها سهم داشته است.

اشترن: چرا تازه امروز درباره زرادخانه هولناک عراقی ها صحبت می شود.

هنریکس: زیرا قرب بسیار دروغگو است. صدام، متحد قرب بود، و به همین خاطر در قرب کسی نمیخواست ایرانی های مسموم شده را ببیند. من سالهاست که خطر این فرد را گوشزد کرده ام و به سازمان ملل گزارش هایی درباره جنگ گاز او فرستاده ام. نتیجه صفر بود. نظامی ها پیش من آمدند و می خواستند هر آنچه را که اطلاع دارم بدهند، اما من از آنها هرگز حتی یک مورد اطلاعات دریافت نکردم. مرا تهدید کردند. قرب آن چیزی را که نخواهد ببیند، نمی بیند. در آنکولا از گازهای سمی کوبایی ها علیه شورشیان اویتا و مردم غیرنظامی استفاده می شد. سه هفته پیش، آخرین حمله صورت گرفت. در آنجا سموم جدید و حشمتاکی از ما بش می شود.

اشترن: چرا آلمانی ها به عراق این همه تجهیزات برای تولید گاز سمی داده اند؟

هنریکس: همه به عراق تسلیحات داده اند. اما باید گفت در مورد گازهای سمی آلمانی ها گناه ویژه ای دارند. صنایع شیمیایی آلمان، سابقه ای طولانی دارد و تکنیک آن از همه بهتر است.

اشترن: از حملات تروریستی با گاز سمی سخن می رود. آیا خطر این امر وجود دارد؟

هنریکس: نباید این همه راجع به آن صحبت کرد تا این افراط به نگرانی های جدید برسند. اما باید گفت یک اقدام تروریستی با چنین موادی بسیار راحت تر از مواد منفجره است.

### ''فرش نفت''

#### به سوی سواحل ایران

بقیه از صفحه آخر

نخستین ''فرش نفت'' سواحل شمالی عربستان سعودی را در بر گرفت. منشأ این ''فرش نفت''، تخریب مخازن نفتی پالایشگاه فنجی عربستان سعودی است. ''فرش نفت'' بسیار بزرگتری، از بندر مینا الاحمدی کویت نشأت گرفته است. این ''فرش نفت'' هنوز به سواحل خلیج عربیه است، اما به احتمال زیاد در روزهای آینده سواحل ایران را آلوده خواهد کرد.

به گفته زیست شناسان، چند نوع از جانوران، شامل پرندگان و پستانداران دریایی، که تنها در خلیج فارس زندگی می کنند، بر اثر فاجعه اکولوژیک اخیر در معرض خطر نابودی قرار گرفته اند.

آمریکا و عراق مسئولیت ایجاد این فاجعه را متقابلا متوجه یکدیگر کرده اند. آمریکا می گوید عراق با گشودن لوله های نفت ترمینال مینا الاحمدی در کویت، نفت را وارد خلیج فارس کرده است. به گفته مقامات عراقی، بمباران دو نفت کش کویتی توسط آمریکا و متخذهانش به این فاجعه انجامیده است. هفته گذشته آمریکا مدعی شد که با بمباران ترمینال مینا الاحمدی کویت، ورود نفت به خلیج فارس را متوقف کرده است.

در صورت رسیدن آلودگی نفتی به تاسیسات آب شیرین شیخ نشین های

#### فرانسه، استعفای وزیر دفاع

بقیه از صفحه آخر

شونه مان از هنگام اشغال کویت توسط عراق با راه حل نظامی مخالفت کرده بود. وی این مخالفت خود را بارها با میتران رئیس جمهور فرانسه در میان گذاشت. در رای گیری پارلمان پیرامون شرکت فرانسه در جنگ خلیج فارس، هم نماینده شونه مان در مجلس ملی و هم چند تن از دوستان او علیه دولت رای دادند. اپوزسیون راستگرای پارلمان از سیاست میتران حمایت کرد و خواهان استعفای شونه مان شد.

پیرووکس وزیر دفاع جدید فرانسه به عنوان یک سیاستمدار نزدیک به فرانسوا میتران و مدافع مشی آشتی ناپذیر در قبال عراق شناخته شده است.

فرمانه ناوگان جنگی ایتالیا در خلیج فارس نیز هفته گذشته ناچار به استعفا شد. وی در یک مصاحبه گفته بود: ''با اندکی زکاو ت بیشتر، این جنگ اجتناب پذیر بود.

این امکان وجود داشت که ادامه تحریم های اقتصادی عراق را وادار به عقب نشینی کند.'' پس از این اظهارات، این فرمانده نظامی تحت فشار سیاستمداران راستگرا در ایتالیا از مقام خود کناره گیری کرد.

### در کشور

بقیه از صفحه ۱۲

نیست و عملی پوچ و بیجوده است''. کربوبی رئیس مجلس نیز نطق مصلی در این زمینه ایراد نمود.

بدنبال این اعتراضات مجلس شورای تصمیم گرفت که بودجه را مورد بررسی قرار نهد. رفسنجانی که متوجه میشود در این کشمکش بازنده خواهد شد بودجه ارزی را به مجلس ارسال میدارد. بدین ترتیب علیرقم حکم شورای نگهبان، بودجه ارزی در اختیار نمایندگان قرار گرفت.

**با کمک مالی**

**به ما یاری**

**رسانید!**

#### به برنامه های رادیو زحمتکشان ایران

#### گوش فراد دهید!

### فراخوان شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه اعضا و هواداران

شورای مرکزی، همه اعضا و هواداران سازمان را اعم از رفقای تشکیلات و رفقائی که بدلیلی کناره گیری نموده و یا استعفا داده اند، فرا می خواند، که بمنظور برپا تر کردن دومین کنگره سازمانشان، در مباحث نظری، برنامه ای و جلساتی که بدین منظور تشکیل می شود شرکت نمایند.

### اطلاعیه مسئولین گروه های کار نشریات اکثریت و کار

شورای مرکزی سازمان قراری را به اجلاس مشترک مرکب از، گروه های کار، مسئولین منتخب سازمانهای کشوری و شورای مرکزی ارائه داد که به موجب آن به منظور ارتقا کیفیت فعالیت سیاسی و مملوهای سازمان، گروه های کار نشریات اکثریت و کار در یکدیگر اقدام گشته و نشریه واحدی با مطلع "اکثریت" و نام "کار" بجای ایندو نشریه انتشار یابد.

### اطلاعیه انتشارات سازمان

باپوش از خوانندگان گرامی نشریه کار و هلاقمندان به سازمان، انتشار مجموعه اسناد و مباحثات کنگره اول که قرار بود همراه این شماره کار، منتشر شود، به تأخیر افتاد. دشواریهای فنی و تغییراتی که در فرم چاپ و قطع مجموعه در نظر گرفته شدند، موجب این تأخیر را فراهم آورده اند. باپوش مجدد و انتشارات سازمان امیدوار است در آینده نزدیک این مجموعه را در اختیار هلاقمندان قرار دهد.

### سلاح های شیمیائی و بیولوژیک، عواقب هولناک

مصابحه "اشترن" با پروفسو اوین هنریکس، کارشناس سلاح های شیمیائی نام پروفسور هنریکس برای کسانی که جمله شیمیائی عراق به حلیجه را به یاد دارند، آشناست. این دانشمند بلژیکی به عنوان کارشناس عواقب کاربرد سلاح های شیمیائی از سوی سازمان ملل به ایران اعزام شد و در مداوای مجروحین این سلاح ها در اروپا نیز شرکت داشت. گفته نامه آلمان "اشترن" در شماره اخیر خود با پروفسور هنریکس مصاحبه ای انجام داده است که حاوی اطلاعاتی در مورد جنگ شیمیائی و توان عراق برای پیشبرد حملات با گازهای سمی است.

بر روی میز آزمایشگاه پروفسور اوین هنریکس چند ظرف شیشه ای قرار دارد حاوی تارهای مو که های پوست قربانیان گازهای سمی، قطعات سنگ، شن، گیاهان و ترکش های بمب بجا مانده از حملات با گاز در ایران، عراق و انگولا.

### فرش نفت

### به سوی سواحل ایران

قشر وسیع نفت که در مجاورت سواحل کویت ایجاد شده است، به دلیل تغییر جهت باد اکنون رو به شمال در حرکت است. این بزرگترین "فرش نفت" ثبت شده در تاریخ، از حدود ۱/۵ میلیون تن نفت خام تشکیل شده است و ۶۰ تا ۹۰ کیلومتر طول و ۱۵ کیلومتر عرض دارد. به گفته کارشناسان، اگر جهت فعلی باد حفظ شود، این قشر نفت در جهت شمال شرقی، به سمت سواحل ایران، حرکت خواهد کرد. در این صورت مبارزه با این "فرش نفت" باز هم دشوارتر خواهد شد زیرا شمال خلیج فارس یک

ژان پیر شونه مان وزیر دفاع فرانسه در اعتراض به سیاست جنگی کشورش در قبال عراق از سمت خود استعفا کرد. شونه مان ۵۱ ساله که به عنوان رهبر جناح چپ حزب سوسیالیست فرانسه شناخته شده است، از مدت ها پیش به خاطر موضع مخالفش در قبال سیاست فرانسه در خلیج فارس مورد انتقاد نیروهای راستگرا قرار داشت. جانشین شونه مان پیر ژوکس است که تاکنون وزارت کشور را بر عهده داشت.

منطقه جنگی است که در آن عملیات مبارزه با این فاجعه اکولوژیک، امکان ناپذیر است. کارشناسان محیط زیست می گویند هر روز که از جنگ می گذرد، صدمات جبران ناپذیر دیگری به محیط زیست خلیج فارس وارد می آید. کشتی های دارای دستگاه های مکنده نفت وارد منطقه شده اند اما ظرفیت آنها برای مبارزه با این قشر نفت کافی نیست. تا اواسط هفته گذشته دو قشر وسیع نفت خلیج فارس را آلوده کرده بودند. بقیه در صفحه ۱۳

### فرانسه، استعفای وزیر دفاع در اعتراض به جنگ

شونه مان در استعفای خود نوشت: "منطق جنگ، این خطر را در بر دارد که ما هر روز از ابتدائی که قطعنامه های سازمان ملل متحد تعیین کردند دورتر شویم." به گفته آگامان، شونه مان معتقد است فرانسه با اقدام در جهت نابودی عراق به جای تلاش جهت بیرون راندن نیروهای عراقی از کویت، قطعنامه های سازمان ملل را نقض کرده است.

بقیه در صفحه ۱۳

### هواپیماهای عراقی در ایران

چرا نیروهای چند ملیتی که مدعی سلطه هوایی بر عراقند، نمی توانند جلوی این پروازها را بگیرند، گفت برتری هوایی بر عراق به معنی غیرتجاصمی بودن آزمایش، نیروی هوایی عراق است و نه امکان جلوگیری از همه پروازهای هواپیماهای عراقی.

جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا بدنبال هلنی شدن پرواز هواپیماهای عراقی به ایران گفت که دولت ایران به آمریکا و متحدانش اطمینان داده است که گماکان در جنگ بیطرف خواهد ماند و هواپیماها را قبل از پایان جنگ به عراق پس نخواهد داد.

روز چهارشنبه ۱۰ بهمن جمهوری اسلامی اعلام کرد که خلبانان عراقی، بقیه در صفحه ۱۱

باپوش از خوانندگان گرامی، به علت بزرگسالی اجلاس وسیع ... بهمن ماه نشریه کار با تأخیر انتشار یافته است.

### پوشش

<b>KAR</b>	
NO: 83 Februar 1991	
حساب بانکی:	AUSTRIA_WIEN BAWAG NR. 02910701-650 DR. GERTRAUD ARTNER
آدرس:	Pf. 10 1091 WIEN AUSTRIA